

یادداشت‌ها

۱
نصرت‌الله تاجیک
پیام‌های
دور ششم مذاکره
ایران و آمریکا

۱
غلامرضا کریمی
برای گفت‌وگوی
ملی و پرهیز از
خشنونت

۱
شاهپور محمدی
خلاقانون در
جریحه‌دار ساختن
احساسات مردم-۲

۱
سیدمهر دادبنی‌هاشمی کهنگی
مکانیسم‌های
جایگزین حل
منازعات

۱
حمیدرضا حاجی‌اسفندیاری
چالش
حق دسترسی
به وکیل

۴
محمد متین‌زاده
آتش، یکی از
رنج‌های هیرکانی

۸
حسن لطفی
رجعت
به گذشته

۸
مرجان یشایایی
جهان در آستانه
چیست؟

کارشناسان اقتصادی می‌گویند دولت نگران افزایش دستمزدها نباشد

افزایش حقوق عامل تورم نیست

با تاکید رییس‌جمهور
عیدی کارکنان دولت به ۱۰ میلیون تومان افزایش یافت
اگر دولت نتواند حقوق و دستمزد را افزایش دهد، فقر و بیکاری
بیشتر خواهد شد و موتور تولید کشور متوقف می‌شود



۴
مجتبی محمدی / ایرنا

واکاوی حریق جنگل‌های ایران
در گفت‌وگو با عضو شورای جنگل-مرتج
آتش بی برنامگی
بر جان جنگل‌ها

دییلماسی

پیام‌های دور ششم مذاکره ایران و آمریکا

نصرت‌الله تاجیک

برای ارایه روایتی ممزوج از واقعیت و آرزو در سیاست‌ورزی امروزه ایرانی و آنچه در روز جمعه در مسقط گذشت، من معتقدم اگر دست دیپلمات‌های ایرانی باز باشد و سیاستمداران فقط اصول و سیاست‌ها را انتخاب کنند و استراتژی مذاکراتی، نحوه عمل و تاکتیک از جمله شکل و محل مذاکره را به آنها سپارند، به توانایی سیاست‌ورزی و کیاست آنها نمی‌توان شک کرد و بهترین استراتژی مذاکراتی و نحوه نیل به آن اصول تدوین و اجرا می‌شود. توجه کنیم ایران قبل از نشست مسقط با همه‌جای وسیع از اطلاعات گمراه‌کننده و بازی روانی روبه‌رو بود تا اهداف طرف آمریکایی و اراده ترامپ در زمینه بسته مورد نظر او شامل هسته‌ای، موشکی، منطقه و حقوق بشری به ایران در قالب اجلاس استانبول و با دعوت همسایگانش تحمیل شود. اگر قرار بود در استانبول هم به جز هسته‌ای محورهای دیگری مطرح شود و هم همه یکطرفه و ایران در طرف دیگر باشد، همین در خواست ایران برای انتقال محل مذاکره به مسقط و دوجانبه شدن آن سیاستی عقلانی بود. اگر چه باعث دلخوری قطر شده باشد که طبعاً سفر وزیر امور خارجه به دوحه پس از مذاکرات، می‌تواند التیامبخش باشد. بنابراین انتقال محل مذاکره به مسقط برای اجرای دوجانبه و آن موافقت آمریکا با این خواست ایران، خردمندانه و نشان از انعطاف آمریکا داشت که طبعاً مثبتی برای این دور از مذاکرات بود. زیرا ایران از برنامه ترکیه برای برگزاری اجلاس استانبول به دلیل طراحی وسیع آن و مشارکت همسایگانش راضی نبود. زیرا آنها هم در مورد توانایی هسته‌ای و موشکی ایران تحفظ دارند و هم با سیاست‌های منطقه‌ای ایران جدای از نظری که در مورد درستی یا نادرستی آن داریم، سر سازگاری ندارند! اهداف و منافع ترکیه و اردوغان از برگزاری چنین شکل و شمایل چندانی برای ایران مفید نبود که در دست هم هست. چون احتمال خروج ترکیه از بیطرفی در مقابل سوابق مثبت عمان در این زمینه، کم نبود و از سوی دیگر هم ایران نباید خودش رقبایش را بزرگ کند. ایران به تاثیر و ارتباط ترکیه و شخص آقای اردوغان نسبت به جایگاه عمان نزد ترامپ واقف بود... **ادامه در صفحه ۷**

جامعه

برای گفت‌وگوی ملی و پرهیز از خشنونت

غلامرضا کریمی

واکاوی علمی رخدادهای تلخ دی ماه در پرتو **بیانیه اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران** در پی رویدادهای تلخ و پرتنش دی ماه ۱۴۰۴، که جامعه ایران را با موجی از سوگ، خشم و شکاف‌های عمیق روبه‌رو کرد، اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران به عنوان نهاد متشکل از ۱۶ انجمن علمی تخصصی، در راستای رسالت حرفه‌ای و مسوولیت ملی خود، بیانیه‌ای منتشر کرد. این اتحادیه، که طیف وسیعی از استادان، پژوهشگران و متخصصان رشته‌هایی چون: جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات صلح، مردم‌شناسی و دیگر حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی را نمایندگی می‌کند، پس از تشکیل جلسات متعدد اعضای هیات‌مدیره و روسای انجمن‌های عضو و بحث و تبادل نظر علمی، دیدگاه‌هایش را به عنوان موضع جمعی منتشر کرده است. در ابتدا اتحادیه، ضمن محکومیت همه‌جانبه خشنونت‌های صورت گرفته و ابراز همدردی عمیق با مردم ایران به ویژه همه خانواده‌های ارجمندی که سوگوار از دست دادن عزیزان‌شان هستند، با تأمل در ریشه‌های این بحران عمیق و فاجعه دردناک، موارد درخور توجه و تأمل را بر جسته کرده است. در این یادداشت بر آنیم تا نکات محوری این بیانیه و دغدغه‌های علمی پشت آن را روشن سازیم. نخستین و مهم‌ترین ویژگی این موضع‌گیری، رویکرد کاملاً علمی و فرا جناحی آن است. اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران، خود را در چارچوب جریان یا جناح سیاسی خاصی تعریف نمی‌کند و ادعای مالکیت حقیقت ندارد، اما بر اساس مسوولیت اخلاقی و دانش انباشته شده علوم اجتماعی، می‌کوشد رویدادهای اجتماعی را در بستر تاریخی و ساختاری تحلیل نموده و هشدارها و راهکارهایی مبتنی بر شواهد پژوهش ارائه دهد. نکته کلیدی که در بیانیه به آن اشاره شده، تکرار فاجعه پس از هشدارهای قبلی است. اتحادیه در مهرماه ۱۴۰۳ در بیانیه‌ای با عنوان «فراخوانی برای خردورزی، انسجام و عاملیت جمعی» نسبت به عواقب ادامه روند‌های موجود هشدار داده بود.

ادامه در صفحه ۵

حقوق

خلأقانون در جریحه‌دار ساختن احساسات مردم-۲

شاهپور محمدی

در بخش نخست این مبحث گفته شد که نمایندگان مجلس موظفند هم خود در جهت حفظ آرامش جامعه پیشقدم شوند و هم با تصویب قوانین بازدارنده اجازه ندهند هر کسی هر حرفی را از هر تریبونی مخصوصاً در شرایط بحران جامعه بزند تا به تشویش و نگرانی مردم منجر شود. رسانه ملی کشور نیز باید مشمول چنین قوانینی شود. اتفاق به ظاهر ساده اخیر در شبکه‌ای که به عامه مردم، خاصه جامعه فرهنگی کشور یادآور شد که دغدغه و نگرش برخی مدیران و دست‌اندرکاران رسانه ملی با اتفاقات و مطالبات جامعه فاصله زیادی دارد. اختصاص بودجه‌های نجومی از بیت‌المال برای این رسانه مردمی، نباید چنین خروجی‌هایی را به همراه داشته باشد. اگر برخی افراد در رسانه ملی هنوز به این نکته مهم نرسیده‌اند که مردم در هر سطحی و با هر نوع اندیشه و سلیقه فکری، ولی نعمتان این رسانه‌اند، باید در نگاه‌ها و رفتارهای خود تجدیدنظر کنند. این رسانه با پسوند «ملی» در حال فعالیت است و باید این اتفاق اخیر نیازمند آن است این افراد، یک بازتعریفی در مورد عنوان «ملی» در کنار کلمه «رسانه» برای خود داشته باشند. نباید به گونه‌ای نسنجیده رفتار کنند که احساس شود اندیشه و تدابیر مدیران و برنامه‌سازان این رسانه، با خواسته‌ها و نیازهای اساسی آحاد مختلف جامعه فاصله زیادی دارد. در شأن رسانه کشور نیست اجازه دهد جرمی اتفاق بیفتد و بعداً وقوع آن صرفاً بخوابد. مدیر یک شبکه‌ای را عزل کند یا دادستانی بخواهد علیه برنامه‌سازان آن اعلام جرم کند. رسانه‌ای که به عنوان یک تریبون ملی-فرهنگی، باید خطا و اشتباه افراد جامعه را تذکر دهد، به جایی رسیده که خود خطاهای به این بزرگی را مرتکب می‌شود. با این اتفاقات باید گفت که مدیران میانی این رسانه نیازمند یکسری کلاس‌های توجیهی در مورد نحوه مدیریت در رسانه‌اند. رسانه‌ای که خود باید به مردم آموزش دهد که هیچ کسی در هیچ سطحی و در هیچ لباسی و با هیچ گونه ابزار و تریبونی حق ندارد با حرف‌ها و رفتارهای خود، احساسات مردم جامعه را جریحه‌دار کند، با این اتفاقات اخیر معلوم شد که خود، هم اکنون نیازمند آموزش در این زمینه‌ها است! بازی با احساس خانواده‌ها، مصداق بارز مردم‌آزاری است و متأسفانه رسانه‌ای که باید بر حذرکننده این گونه معضلات رفتاری در جامعه باشد،

خود متوجه موضوع به این کوچکی و پیش پا افتاده نبوده است. ضعف سواد جامعه‌شناسی و رسانه‌ای آن هم برای تلویزیونی که خود مدعی الگو و ترویج اخلاق در جامعه است، پذیرفتنی نیست و باید تقویت شود. رییس این رسانه می‌توانست با یک عذرخواهی رسمی با مردم گفت‌وگو کند و در یک فضای صمیمی به مخاطبان تلویزیون دلیل این گونه حوادث را توضیح دهد تا شائبه‌ها برطرف شود. مردم حق دارند دلایل این گونه اتفاقات را بدانند. مدیران رسانه باید بدانند که صاحبان اصلی رسانه ملی این کشور، مردمند و در صورت بروز هر گونه اشتباهی، باید در مقابل همین مردم تواضع و فروتنی از خود نشان دهند! این انتخاب ملت در مجلس نیز نباید از کنار چنین مسائل و اتفاقاتی به راحتی عبور کنند. آنها باید تحقیق و تفحص کنند و ببینند مدیران شبکه‌ها تا چه میزان سواد مرتبط با رسانه را دارند تا از تکرار چنین آبروریزی‌هایی جلوگیری شود. باید بررسی شود که چند درصد این افراد دوره‌های مختلف آموزش برنامه‌سازی و مدیریت رسانه‌ای و بخش‌های مختلف فنی را در این سازمان دیده و گذرانده‌اند؟ این موارد حق مردم و منتخبان آنها در مجلس است. اگر چنین بررسی و تحقیقی صورت نگیرد و این رسانه نخواهد به یک اصلاح‌نگرشی و تغییر ساختاری در این سازمان دست بزند، بعد نیست از این دست اتفاقات باز هم جریان رسانه بیفتند. با اخراج یک مدیر مجری، مشکل این رسانه حل نمی‌شود. مشکل این رسانه در نحوه نگرش برخی افراد و مدیرانش به جامعه است که این نگاه نیازمند تغییرات اساسی و بنیادین و زیربنایی است. عدم دقت و در نظر گرفتن میزان فهم بالای عامه مردم، بزرگ‌ترین و عمده‌ایراد و اشکال برخی مدیران این نهاد رسانه‌ای است. با این نوع برنامه‌سازی‌ها در این رسانه مشخص شد که از مدیر اخراجی شبکه گرفته تا دیگر عوامل سازمانده، اشراف کامل و دقیق نسبت به زمان و نیازمندی‌های جامعه نداشته و خود این موضوع مهم نیازمند بررسی و پژوهش است. باید بگویم حال مدیر شبکه به کنار، یعنی یک نفر از عوامل سر صحنه این برنامه‌تولست که نبود تشخیص دهد به سازندگان آن تذکر دهد که ساخت چنین برنامه‌ای در شرایط حال بد مردم، مناسب برای تهیه و ضبط نیست و امکان ایجاد هزاران سوءتفاهم را در جامعه می‌تواند داشته باشد؟ چرا چنین دقت عمل‌هایی وجود نداشته است؟ در شرایط اقتصاد مقاومتی و وضعیت بد معیشت مردم و نبود بودجه کافی در صندوق دولت، باز هم بودجه سازمان صدا و سیما از طرف دولت و مجلس برای سال آینده مورد افزایش قرار می‌گیرد... **ادامه در صفحه ۲**

جامعه

مکانیسم‌های جایگزین حل منازعات

سیدمهر دادبنی‌هاشمی کهنگی

اعتراضات اجتماعی و ضرورت راهکارهای نوین در سال‌های اخیر، ایران شاهد افزایش اعتراضات اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی، محیط‌زیستی و صنفی بوده است. فشارهای اقتصادی، ناکارآمدی برخی سیاست‌ها و احساس بی‌عدالتی باعث شده است که شهروندان به روش‌های مختلف اعتراض کنند. این اعتراض‌ها اغلب پیامی روشن دارند: مردم انتظار دارند مشکلات‌شان شنیده و حل شود. اما در نبود ساز و کارهای قانونی و اجتماعی موثر، این اعتراض‌ها به تنش و بر خورد تبدیل می‌شوند. از سوی دیگر، دستگاه قضایی با حجم بالای پرونده‌ها و طولانی شدن روند رسیدگی، امکان پاسخگویی سریع به مطالبات اجتماعی را ندارد. این شرایط نشان می‌دهد که تنها راه حل تمرکز بر راهکارهای جایگزین حل منازعات است. **مکانیسم‌های جایگزین حل منازعات چیست؟** – مکانیسم‌های جایگزین حل منازعات شامل میانجیگری، مصالحه جمعی و عدالت ترمیمی هستند. این روش‌ها به افراد و نهادهای امکان می‌دهند که بدون ورود به مسیر قضایی طولانی و پرهزینه، اختلافات خود را حل کنند. مهم‌ترین مزیت این مکانیسم‌ها، بازسازی اعتماد اجتماعی و کاهش تنش‌های جمعی است. برای نمونه: **میانجیگری:** گروه‌های معترض و مسوولان محلی به میز مذاکره دعوت می‌شوند تا مشکلات در فضایی امن و کنترل شده حل شود. **مصالحه جمعی:** زمینه‌ای برای توافق جمعی فراهم می‌کند و اختلافات اقتصادی و اجتماعی را در سطح جامعه کاهش می‌دهد. **عدالت ترمیمی:** فرصتی برای بازسازی رابطه میان فرد و جامعه یا دولت فراهم می‌کند و احساس بی‌عدالتی را کاهش می‌دهد. **محدودیت‌ها و چالش‌ها در ایران** – با وجود مزایای روشن، بهره‌گیری از این ابزارها در ایران هنوز محدود است. چالش‌ها شامل موارد زیر است:

ادامه در صفحه ۲

حقوق

چالش حق دسترسی به وکیل

حمیدرضا حاجی‌اسفندیاری

حق دسترسی به وکیل و انتخاب آزادانه او از سوی موکل بر پایه اعتماد متقابل از ارکان بنیادین دادرسی است. چالش و تضمین‌کننده حق دفاع موثر است. اصل وی‌نجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بیانی صریح، عام و بدون قید، حق انتخاب وکیل را برای «همه دادگاه‌ها» به رسمیت شناخته و آن را زمره حقوق مسلم شهروندان قرار داده است. این اصل نه امتیازی اعلیایی، بلکه حقی ذاتی و غیر قابل انکساک از کرامت انسانی و امنیت قضایی افراد محسوب می‌شود. باملاحظه مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، به وضوح آشکار است که مقصود و غایت نهایی مقنن اساسی، تضمین آزادی اشخاص در انتخاب وکیل بدون هر گونه قید و تبصره بوده است. با این حال، تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی برخی جرایم، با محدود کردن حق انتخاب وکیل به فهرستی مورد تأیید، عملاً بر این حق بنیادین قید وارد کرده است. این تبصره به جای تضمین حق دفاع، آن را به امری گزینشی و مشروط در جریان تحقیقات برخی عناوین اتهامی خاص بدل ساخته و بدین ترتیب میان قانون اساسی و قانون عادی تعارضی آشکار پدید آورده است. تعارضی که وفق اصول مسلم حاکم بر حقوق عمومی باید به قاعده برتر، یعنی قانون اساسی حل و فصل شود. مدافعان این محدودیت با توجیه مطلق نبودن حق دفاع در اتهامات امنیتی و جاسوسی، تسهیل کشف حقیقت در مرحله تحقیقات، ضرورت حفظ ساختار دادرسی و اعمال نظارت پیشینی بر وکیل، بنابراین «حق داشتن وکیل» و «حق انتخاب آزاد وکیل» تفکیک قائل می‌شوند، حال آنکه نتیجه عملی این تبصره، تعرض به جوهر حق دفاع و نقض اصل تساوی سلاح‌ها در دادرسی کیفری است. باید توجه داشت که منظور از حق انتخاب و اختیار وکیل صرف حضور وکیل در کنار متهم نیست، بلکه اعمال واقعی این حق از یک سو مستلزم اعتماد کامل موکل (متهم) به وکیل منتخب خویش و امکان برقراری رابطه‌ای مستقل، امن و مبتنی بر محرمانگی میان آن دو است و از سوی دیگر، متضمن استقلال وکیل در دفاع موثر از موکل خویش است. از این رو، محدود کردن متهم به انتخاب وکیل از فهرستی خاص، حتی اگر با توجیه حفظ مصالح عمومی یا امنیت ملی صورت گیرد...

ادامه در صفحه ۲



گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی درباره
نحوه برخورد جامعه با حکومت در شرایط فعلی

اصلاح کنیم نه تضعیف

۲

«اعتماد» در گفت‌وگو با رحمن قهرمانپور بررسی می‌کند

دیپلماسی در سایه بی‌اعتمادی

علی‌رغم بازگشت ایران و آمریکا به میز مذاکره، شاهد هیچ‌گونه
تغییری در مواضع دو بازیگر نیستیم و این وضعیت حاصل
بی‌اعتمادی حاکم است که موجب شده تا تهران و واشنگتن از
رویکردی محتاطانه‌تر پیروی کنند

۲

درباره مستندهای حاضر در جشنواره فیلم فجر ۴۴

فرصتی برای بیشتر دیده شدن

۷

آسیب‌شناسی تعدد شرکت‌های هواپیمایی در ایران

ایرلاین‌هایی که قارچ‌گونه سبز شده‌اند

۵



روزنامه اعتماد



روزنامه تعادل



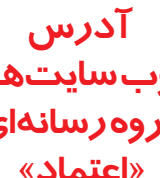
اعتماد آنلاین



سینما اعتماد



سایت جنایی



سایت جنایی

آدرس
وبسایت‌ها
گروه رسانه‌ای
«اعتماد»

اگر از مسوولان یا ادارات و سازمان‌های کشور
سوال دارید به این شماره پیامک کنید

شماره پیامکی
۱۰۰۰۹۱۲۱۲۵۳۳۳۳۳۳۳
ایمیل
etemaddaily@hotmail.com

اگر در محل کار خود یا در ارتباط با کارهایتان در سازمان‌های مختلف با مشکل روبه‌رو شده‌اید. گلابیه خود را در اینجا مطرح کنید. روزنامه اعتماد در خدمت مردم عزیز ایران است، ما را یاری کنید که بیشتر پرسشگر باشیم.

مژده

برای دریافت مشاوره و برنامه ریزی
و یکج هدیه آموزشی
رتبه برتر شو
با شماره ۰۹۱۲۹۶۷۸۱۳۴ تماس بگیرید

مژده

معاون اجرایی رییس جمهور:

برای حل مشکلات به مردم رجوع کنیم

«هر گاه مردم را در نظر داشته باشیم، مشکلات قابل حل هستند.» معاون اجرایی رییس جمهور بایبان این جمله و با اشاره به اینکه برای حل مشکلات به مردم رجوع کنیم، گفت: هیچ مشرووعیت و مقبولیتی به مداخلات بیرونی ندهیم و مداخله خارجی را غیر وطن دوستانه جلوه دهیم. محمد جعفر قیام‌پناه‌پروز در نشست بر خط معاون اجرایی رییس جمهور با استانداران، معاونان سیاسی و مسوولان دفاتر ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری گفت: هدف ما از این نشست این است که یک بازنگری، در وظایف و مأموریت‌های مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری در دولت وفاق ملی داشته باشیم، با توجه به نکات و نظرات ریاست جمهور و با تاکید بر این اصل که مردم ارباب و ولی نعمت ما هستند، این نکته‌ای که امام (ره) فرموده‌اند در این روزها و در سالگرد انقلاب نیز مورد تاکید قرار گرفته است. او با بیان اینکه توجه به ولی نعمت بسودن مردم از ویژگی‌های برجسته انقلاب اسلامی ماست، عنوان کرد: هر گاه ما مردم را در نظر داشته باشیم، مشکلات قابل حل هستند و اگر خدای ناکرده مردم را از دست بدهیم، در واقع مشرووعیت و رسمیت خود را از دست خواهیم داد.

معاون اجرایی رییس جمهور بیان کرد: تاکنون عمده فعالیت‌های مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست‌جمهوری و به تبع آن مرکز ارتباطات معاونت‌بیشتر معطوف به دریافت شکایات، نامه‌ها، درخواست‌های فردی و تماس‌های تلفنی بوده است و ارتباط واقعی با نمایندگان احاد مردم تا حدودی مغفول مانده بود. قائم‌پناه بایبان اینکه ارتباط مردم تاکنون به این صورت بوده است که معمولاً بیش از ۹۵ درصد درخواست‌ها مربوط به نامه‌ها و درخواست‌هایی مانند شغل، وام یا کمک‌های بلاعوض بوده است، گفت: طبیعی است که بخش زیادی از این درخواست‌ها بر آورده نمی‌شود و قرار نیست که هر کسی که نامه‌ای به ما می‌دهد،

ادامه از صفحه اول

خلأقانون در جریحه‌دار ساختن احساسات مردم-۲

حال آیارواست که دس‌ت‌م‌ر‌د‌م‌دولت‌و تصویب کنندگان این بودجه‌ها در خانه ملت، با این گونه مدیریت‌ها و برنامه‌سازی‌ها داده شوند؟ رسانه باید بلندگای منتقدان و نویسنندگان مولودی‌ا‌ه‌ه‌وار در مورد عملکرد داین سازمان، در مطبوعات انعکاس داده و به روشنگری می‌پردازد، نه صرفاً به دلیل اهمیت کار کرد این رسانه در جامعه است، متأسفانه این رسانه آن طوطی که بایزاد دیدگاه‌های روشنگرانه منتقدان کشور نیز استقبال نمی‌کند، در حالی که این رسانه باید منتقدان را در کنار خود ببیند و نه در مقابل خود!! اگر ما رفتارهای خود را در یک فضای صمیمی و منطقی مورد نقد قرار ندهیم، قطعاً رسانه‌های بیگانه آن سوی مرز، به گونه دیگری آن را تحلیل کرده و به افکار عمومی جامعه انتقال خواهند داد. باید دید چرا عده‌ای در این سازمان از نیازمندی‌های اساسی مردم و کشور دورند؟ رسانه جایی نیست که مدبری بخواهد در آن اشتباهی انتخاب شود یا خطایی انجام دهد، هم‌اکنون کشور در شرایط خاص سیاسی قرار دارد و زمان اتحاد و همبستگی ملی است و این رسانه به‌دور از هر گونه خطایی باید همه‌آحاد جامعه را به‌ر نوع آیدیشه و افکار و نگرش سیاسی، زیر یک چتر واحد دور هم جمع کند. بزرگ‌ترین افتخار این کشور تنوع آراء و مستندساز و منتقد

مکانیسم‌های جایگزین حل منازعات

- کمبود نهادهای تخصصی و آموزش دیده برای اجرای میانجیگری و عدالت ترمیمی؛
- مقتدران فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی درباره مزایای این روش‌ها؛
- محدودیت‌های قانونی و خلأ‌های اجرایی که مانع پذیرش تصمیمات میانجی‌ای با مصالحه‌می‌شوند؛
- مقاومت بخشی از نهادهای دستگاه‌های رسمی که هنوز این روش را تهدید به جایگزینی نوظلق‌هایی می‌دانند.
- این محدودیت‌ها باعث شده‌است که بسیاری از اعتراضات اجتماعی بدون پاسخ مناسب باقی بمانند و احساس بی‌اعتمادی در جامعه افزایش یابد.

پیوندها حقوقی، سیاسی واجتماعی –از منظر حقوقی، قوانین موجود ایران، ظرفیت محدودی برای استفاده از مکانیسم‌های جایگزین دارند،مانند آیین نامه میانجیگری در دعاوی خانواده و داوری در قرار دادهای تجاری. از منظر سیاسی واجتماعی، این مکانیسم‌ها می‌توانند به عنوان پل میان دولت و مردم عمل کنند.وقتی اعتراضات به میزان مذکوره منتقل شود و مردم احساس کنند صدایشان شنیده شده است، تنش‌های اجتماعی کاهش یافته و نهادهای می‌توانند پاسخ‌های شفاف و موثر ارائه دهند.به این ترتیب، مکانیسم‌های جایگزین نه تنها کاهش بار قضایی ایجاد می‌کنند، بلکه اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را نیز بازسازی می‌کنند.

تجربه تطبیقی و درس‌های ایران – تجربه کشورهای دیگر مانند فنلاند، کانادا و نیوزیلند، نشان می‌دهد که میانجیگری و عدالت ترمیمی در حل منازعات اجتماعی و اعتراضات محلی موثر است. این کشورها با ترکیب قوانین

چالش حق دسترسی به وکیل

در عمل می‌تواند دفاع را به امری تشریفاتی و کم‌اثر تقلیل دهد و حق دفاع را در حساس ترین مرحله دادرسی، یعنی تحقیقات مقدماتی، با مداخله جدی مواجه سازد. از منظر سیاست جنایی و کیفری نیز محدودسازی حق انتخاب وکیل نه تنها به افزایش اعتماد عمومی به دستگاه عدالت کیفری منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند احساس حق دفاع حقوق متهم و تضعیف مشرووعیت فرآیند دادرسی را در پی داشته باشد؛ حتی اگر با حضور وکیل انتخابی در مرحله رسیدگی دادگاه (پس از پایان تحقیقات دادرسا و صدور کیفرخواست) این نقض تا حدودی جبران شود. تجربه نظام‌های حقوقی پیشرو نشان می‌دهد که امنیت قضایی، حفظ نظم عمومی و ا قناع افکار عمومی نسبت

Siasat@etemadnewspaper.ir

رودرو با سوزه



گفت‌وگو با بیژن عبدالکریمی درباره نحوه بر خورد جامعه با حکومت در شرایط فعلی

اصلاح کنیم نه تضعیف

جامعه ایران ز خمی است و بدون یک خیزش اصلاح اجتماعی درمان نمی‌شود

این تصویر که حاکمیت کشت تا زهر چشم بگیرد روایت درستی از ما جرا نیست

هم تاکید دارند، مگس بر روی زخم است که می‌نشیند.

- یعنی می‌گویید جمعاتی که در داخل کشور اقدام به اعتراض می‌کردند همگی خارج از مرزهای کشور آمده بودند؟**

الته که بخشی از این جمعیت مردم ایران بودند. یعنی خشم و نفرت انباشت شده که سرریز کرد، عامل اصلی این رخدادها تلخ بودند. دست همه ما به خون بی گناهان آغشته است. رسانه ما، رسانه ملی نبود و پژواک صدای اعتراض مردم را نداشت. واقعیت آن است که مردم هیچگاه باز تاب صدای خود را در صدا و سیما ندیدند. مجلس همیشه خانه واقعی ملت نبود. اگر مجلس خانه ملت بود، مطالبات مردم را پیگیری می‌کرد و خشم مردم مهار می‌شد. سیاست‌های اتخاذ شده بارها در این کشور امتحان شدند، فاجعه‌آفریندو باز هم دوباره تکرار شدند. از منظر اجتماعی بخش‌های مهمی از جامعه دیده نشدند. جوانان، نوگرایان و همه طیف‌هایی که به نوعی با حاکمیت سازگار نیستند

مهدی بیک اوغلی

جنگ ۱۲ روزه و حوادث خونین دی ماه سال ۱۴۰۴، به باور بیژن عبدالکریمی، دو «قطعه عطف تاریخی» در تاریخ معاصر ایران‌اند. رویگردان شوند به سمت برنام‌های شبکه‌های ماهواره‌ای گرایش پیدا کنند. رسانه تصمیم بگیرد یک‌بار برای همیشه روحیه نقدپذیری و به تبع آن، تغییر و اصلاح را در ساختار مدیریتی خود پیاده کند تا همگان به سمت این رسانه جلب شوند. وقتی در یک سازمان رسانه‌ای پذیرش نقد در کار نباشد محور اندیشه و سلاقی فکری مختلف‌ترین کمرنگ باشد، طبیعتاً در چنین شرایطی، تکرری‌ها حاکم شده و برنامه‌هایی از جنس شبکه‌افق نیز تولید خواهد شد. هدف بحث ما صرفاً یک برنامه خاص از نوع خط خطی نیست، بلکه شاکله کاری و مدیریتی این سازمان است که نیازمند یک تغییر بنیادین و اساسی است و اگر این تغییرات صورت نگیرند، روز به روز اهداف مردمی خودفاصله خواهد گرفت. امیدواریم این نقد و تحلیل هاب‌ات شوند تا مدیران رسانه، آن اصلاحات ساختاری مورد انتظار جامعه را هر چه سریع‌تر آغاز کنند و در مسیر سخت کاری خود همواره از نظرات مشورتی منتقدان دلسوز کشور نیز تبع نبرکنند.

مستندساز و منتقد

روشن، نهادهای آموزش دیده و فرهنگ‌سازی عمومی

توانست‌اند هم از بروز خشونت جلوگیری و هم اعتماد

اجتماعی را بازسازی کنند.

برای ایران، این تجربه می‌تواند به شکل عملی تبدیل شود

اگر هم‌زمان:

- قوانین موجود اصلاح و ضمانت اجرای تصمیمات میانجی تقویت‌شود؛
- نهادهای تخصصی میانجیگری و عدالت ترمیمی ایجاد و آموزش داده شوند؛
- فرهنگ گفت‌وگو و مصالحه در سطح جامعه و میان مسوولان پذیرفته‌شود.

راهکارهای عملی و چشم‌انداز آینده – استفاده از مکانیسم‌های جایگزین حل منازعات می‌تواند به کاهش تنش‌ها و بازسازی اعتماد اجتماعی منجر شود. اما نیازمند اقدام هم‌زمان در سه سطح است:

- اصلاح و تقویت قوانین برای تضمین اعتبار تصمیمات میانجی و مصالحه؛
- ایجاد و آموزش نهادهای تخصصی برای اجرای موثر میانجیگری و عدالت ترمیمی؛
- فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی برای افزایش اعتماد مردم به این ابزارها.

اگر این اقدامات جدی گرفته شوند، ایران می‌تواند مسیر مدیریت اختلافات و اعتراضات اجتماعی را از تقابل و تشدید بحران به گفت‌وگو، همدلی و اصلاح واقعی هدایت کند. در غیر این صورت، اعتراضات اجتماعی همچنان به خشونت، بی‌اعتمادی و تشدید فاصله میان مردم و نهادهای رسمی دامن خواهد زد.

نیم‌نگاه

معاون دانشجویی وزارت بهداشت خبر داد

جان باختن نزدیک به ۱۰۰ دانشجو در حوادث اخیر

ایسنا | معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت به آمار شهدای دانشجوی کشور در حوادث اخیر اشاره کرد و گفت: متأسفانه نزدیک به ۱۰۰ نفر از دانشجویان کشور در حوادث اخیر جان باختند که با نظر رهبر انقلاب، بسیاری از جان‌باختگان این حوادث که عنصر خارجی و تروریستی در آن دخیل بود، به عنوان شهدا شناخته شدند. دکتر مسعود حبیبی گفت: اتفاقاتی که اخیراً در کشور رخ داد، یادآوری می‌کند که باید بیش از پیش به آرمان‌های امام راحل توجه کنیم؛ آرمان‌هایی که شامل عدالت، آزادی و توجه به مردم به عنوان اصل و اساس نظام است. امروز اگر به پیمایش‌هایی که در جامعه انجام می‌شود، نگاه کنیم، می‌بینیم که عنصر عدالت تا حدودی استقرار ندارد. سی متأسفانه و تقویت اعتماد عمومی به عدالت کیفری باشد.

حاکمیت در کی از مقوله فرهنگ نداشته است.

- دستگاه‌های ایران با بودجه‌های هنگفت کار فرهنگی نمی‌کنند، بلکه کار تبلیغی می‌کنند.** کار فرهنگی، کار هر کسی نیست، ما حتی در دانشگاه‌های کشور هم کار

فرهنگی و مفهوم مقاومت در برابر استعمار نمی‌کنیم. نهادهای فرهنگی با ابتذل بسیار عمل می‌کنند. بانوعی پوپولیسم، به قلمروی فرهنگی ورود می‌شود و این روند اثرات مثبتی ندارد.

- این روزها به نظر می‌رسد جامعه زخم خوردہ است. چگونه می‌توان مرهمی بر این زخم‌ها گذاشت و پیکره جامعه را از این اندوه عمیق ناشی از بحران‌های اخیر عبور داد؟**

ایران نیازمند یک خیزش اجتماعی و اصلاحی است. برای مداوای این زخم نیازمند یک خیزش اجتماعی از نوع اصلاحی‌اش هستیم. اولاً توجه داشته باشید که کشور به‌شدت در خطر است. این طرح وجود داشت تا با به خم خوردن تعادل کشور، اسرائیل و آمریکا به

حاکمیت در کی از مقوله فرهنگ نداشته است.

- رسانه ما، رسانه ملی نبود و پژواک صدای اعتراض مردم را نداشت. واقعیت آن است که مردم هیچ‌گاه باز تاب صدای خود را در صدا و سیما ندیدند**
- برای مداوای این زخم نیازمند یک خیزش اجتماعی از نوع اصلاحی‌اش هستیم. اولاً توجه داشته باشید که کشور به شدت در خطر است. این طرح وجود داشت تا با به خم خوردن تعادل کشور، اسرائیل و آمریکا به ایران حمله کنند**

- اگر خطرات امنیتی و ژئوپلیتیک کشور را به ر رسمیت بشناسیم، می‌توانیم هر نقدی به حاکمیت داشته باشیم. اما نباید این نقد به گونه‌ای باشد که منجر به تضعیف حاکمیت ملی در شرایط جنگی (نه در همه شرایط) شود**
- خالی کردن پشت حاکمیت در هنگام مذاکره با ضرر ایران است. اگر خیال حاکمیت از پشت جبهه مذاکرات ایمن نباشد ناچار به دادن امتیازات بیشتر به دشمنان می‌شود**
- اخیراً دوباره شنیدم با دانشجویانی که قصد داشتند عزاداری کنند، شمع‌ی روشن کنند و اشکی از چشمان‌شان جاری شود، بلافاصله کلیبی پر کرد و ما این نوع بر خورد‌ها را محکوم کردم**

ایران حمله کنند. اگر اینگونه می‌شد شک تکنید تعداد کشته شده‌های ایرانی به صدها هزار نفر می‌رسید! نباید اسیر روایت‌های ناتویبی و غربی شویم. اعتراضات ۷ و ۸دی ماه در بازار شروع شد و تا ۱۷ دی ماه کاملاً مسالمت‌آمیز بود. حتی در بسیاری از روزها، مردم به نیروهای انتظامی گل می‌دادند و یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان معترضان و نیروهای انتظامی و امنیتی وجود داشت.

- شما از نقش همه طیف‌ها و اقشار و گروه‌ها صحبت کردید اما سهمی برای نظام سیاسی در بروز این رخ داده‌ها قایل نشدید. آیا واقعاً سیستم نقشی در بروز رخ داده‌ها داشته است؟**

اینها را نمی‌گویم تا ناآکارآمدی‌های حکومت را نادیده بگیرم. حکومت هم بدون تردید به دلیل خطاهایی که در حوزه اقتصادی، سیاست، نظارت استصوابی، مدیریت صدا و سیما و فرهنگ داشته، مسوولیت مستقیم در بروز این رخ داده‌ها داشته است. متأسفانه

دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴، ۲۰ شعبان ۱۴۴۷، ۹ فوریه ۲۰۲۶، سال بیست و سوم، شماره ۶۲۵۸

الهی

ایرانی کنشگری کند، با این خطای استراتژیک خود را حذف کرد. به این معنا که باخشونتی که ظهور پیدا کرد بسیاری از مردم که اعتراض داشتند عقب کشیدند. از سوی دیگر نیروهای انتظامی ایرانی که بافرآخوان رضا پهلوی به خاک و خون کشیده شدند تا روز ۱۷دی در کنار مردم در رویه‌های اعتراضی حمایت می‌کردند. واقع آن است که نیروهای انتظامی ایران ذیل محروم‌ترین قشر‌های جامعه ایرانی هستند و حقوق‌های ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومانی می‌گیرند. آنها شاید ته دلشان نوعی همراهی با اعتراضات معیشتی داشتند اما حوادث بعدی باعث شد تا رضا پهلوی همه پایگاه‌های خود را از دست بدهد. در کشور شیعه، مساجد و امامزاده‌ها را به آتش کشیدند و از این بربریت دفاع کردند.

- قرار بود درباره مرهم گذاشتن بر زخم‌های ایرانیان و عبور از این غم و اندوه عمیق صحبت کنید؟**

اگر خطرات امنیتی و ژئوپلیتیک کشور را به رسمیت بشناسیم می‌توانیم هر نقدی به حاکمیت داشته باشیم. اما نباید این نقد به گونه‌ای باشد که منجر به تضعیف حاکمیت ملی در شرایط جنگی (نه در همه شرایط) شود. در هیچ نقطه‌ای از جهان در شرایط جنگی به تضعیف حاکمیت ملی اقدام نمی‌کنند. خود من جزو منتقدان حاکمیت هستم اما نباید این انتقادات بدون توجه به امر ملی و خطرات امنیتی کشور باشد. در ایام دی‌ماه ۱۴۰۴ من یک چشم به آسمان داشتم که آمریکا و اسرائیل حمله نکنند و از طرف دیگر نگران زمینی بودم که در آن گرسنگان و محروم‌ها اعتراضاتشان را به کف خیابان آورده بوندند.

- اگر قرار باشد اولویت‌های عبور از این اندوه لیست شوند به چه مواردی اشاره می‌کنید؟**

ما نیاز به بازنگری در همه عرصه‌ها داریم تا بتوانیم در برابر آمریکا و اسرائیل از امر ملی دفاع کنیم. حاکمیت ایران امروز رشیدترین فشارهاست. هم در مذاکره با آمریکا تحت فشار است و هم در عرصه داخلی فشارهای بسیاری وجود دارد. خالی کردن پشت حاکمیت در هنگام مذاکره به ضرر ایران است. اگر خیال حاکمیت از پشت جبهه مذاکرات ایمن نباشد ناچار به دادن امتیازات بیشتر به دشمنان می‌شود.

- رسمیدن به یک چنین شفاف و خشونتی به هر حال زمینه‌هایی داشته. این زمینه‌ها چه مواردی بوده است؟**

از شما به عنوان یک روزنامه‌نگار مستقل می‌پرسم، آیا روشنفکران و کشنگران ایرانی توجه داشتند که با دیدن مهار از شکاف دولت-ملت در حال پیمپاز چه حجم خشونتی هستند؟ می‌دانستند بذر چه نفرتی را در جامعه می‌پاشند؟ من شخصاً قبلاً بارها این اخبار را داده بودم. فریاد زدم که اینقدر تنش را زیاد نکنید. وقتی کبری‌تی زده می‌شود و جنگلی آتش می‌گیرد، دیگر مهار آن آسان نیست، خیس و تر می‌گهی است به هم بسوزند. وقتی خشونت منفرج می‌شود، کنترل آن ساده نیست. بر اساس برخی گزارش‌ها در ایام مرتبط با رخ داده‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ حدود ۱۱۷ جنایت عادی از رخ داده‌است. فردی به فرد دیگری زخمی زیادی داشته. یافردي مشکل ناموسی با فرد دیگری داشته یا اختلافات شخصی دیگری داشته، به بهانه، رخ داده‌های اخیر، دیگری را به قتل رسانده است. از این تعداد قتل فقط ۵۶ قاتل پیدا شده و ۵۶ قاتل دیگر هنوز پیدا نشده‌اند. وقتی نظم اجتماعی به هم می‌خورد اینگونه می‌شود. روشنفکران و کشنگران ما کجا نگران بروز این خشونت بوده‌اند.

- شما چه سهمی برای اشتباهات نظام سیاسی قائل هستید؟**

من نمی‌خواهم سیستم را از هر گونه خطا و اشتباه و قصوربری کتم، بارها انتقاد کرده‌ام که اگر حاکمیت با همین دست فرمان برود هم خودش را بیچاره می‌کند هم ملت را. باید این دست فرمان در حوزه گریزش‌ها، فرهنگ، نظارت استصوابی، رسانه‌ها و... تغییر کند. اخیراً دوباره شنیدم با دانشجویانی که قصد داشتند عزاداری کنند، شمع‌ی روشن کنند و اشکی بریزند، بر خورد شده است. بلافاصله کلیبی پر کرد و ما این نوع بر خورد‌ها را محکوم کرد. اما همگی باید کمک کنیم. باید وارد صحنه شویم و مساله را به صورت تمام و کمال ببینیم. نمی‌گویم انگشت اتهام را به سمت حاکمیت نگیریم اما اینکه انگشت اتهام ما صرفاً به سمت حاکمیت باشد اشتباه است. اینکه حاکمیت عامل همه مشکلات معرفی‌شده به دو دلیل غلط است. از منظر جامعه‌شناختی همه مسائل جامعه به حاکمیت باز نمی‌گردد و گزاره‌های دیگری هم در این رابطه وجود دارد. نکته دوم اینکه تضعیف حاکمیت ملی در شرایط فعلی به نفع کشور نیست. در شرایط فعلی باید و پیچیدگی هم می‌است. اینکه بدانیم، حاکمیت را باید اصلاح کنیم در عین حال آن را تضعیف نکنیم یک امر متضاد است. این تضادی است که بسیاری از تحلیلگران و روشنفکران هنوز موفق به درک آن نشده‌اند.

شب گذشته اتفاق افتاد

آذر منصوری رییس جبهه اصلاحات باز داشت شد

دادستانی علیه آذر منصوری اعلام جرم کرد. دلیل اعلام جرم، ادعاهای بدون سند و متعدد از سوی منصوری عنوان شده بود. همچنین کیفرخواستی به علت اظهاراتش درباره مسموومیت زنجیر‌های در مدارس دخترانه علیه او صادر شد.

پرونده قضایی آذر منصوری با عناوین اتهامی «تشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار مطالب در فضای مجازی» به دادگاه ارجاع داده شد که بعداً از عنوان «تبلیغ علیه نظام» تبرئه شد.

این بار اما مشخص نیست آذر منصوری با چه عناوین اتهامی بازداشت شده است. هنوز درباره چرایی بازداشت منصوری اطلاعاتی از سوی نهادهای مسؤول منتشر نشده است.

آتش، یکی از رنج‌های هیرکانی



محمد مینینی‌زاده

تصور کنید شرایطی ایجاد شود تا در یک محل، می‌توانستید در کنار چندین نسل پیشین خود (پدر و مادر؛ پدر و مادر آنها؛ پدر و مادر پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و ...) با همه نسب‌ها و خویشاوندی‌های ایجادشده، در کمال توجه، ادب و احترام به یکدیگر و با فراهم بودن همه شرایط مورد نیاز برای یک زیست دلچسب، آرام، به‌روز و بدون دغدغه، زندگی می‌کردید. رویایی و باشکوه بود. نه؟ قیمتی می‌شود برای آن گذاشت؟ به‌نظر هم گز! دوره تاریخی و زمانی که این رویا را بتوان بُر کرد مثلاً بشود ۵۰۰ سال.

تصور فوق را ببریم برای جنگل هیرکانی. در این جنگل، جامعه دلخواه، دوست‌داشتنی و کامل‌شده که در بالا گفته شد، موجوداتی غیر از انسان بوده و از دست‌کم ۲۵ میلیون سال پیش در پهنه‌ای به طول ۸۰۰ کیلومتر سسکنی گزیده‌اند. همه عناصر تشکیل‌دهنده این جنگل مانند درخت، درختچه، علف، موجودات بی‌شمار خاک، انواعی از پرندگان، پستانداران، دوز پستان، خزندگان، حشرات و ... با همان توجه و احترام و یک زیست به‌روز و دلچسب و آرام کنار هم جمع شده‌اند. برای ایران ما که در کمربند خشک زمین قرار گرفته است و وجود چنین جنگلی با فواید و سوددهی‌بی‌نهایت، یک شگفتی بزرگ در حد معجزه است و اینچنین دیگر به‌یقین قیمتی نمی‌توان برای آن گذاشت. اگر آنجا رویا بود اینجا یک حقیقت راستین است.

اگر بخواهیم فقط در مورد گیاهانش جزئی‌تر بدانیم، در این جنگل بیش از ۳۲۰۰ گونه گیاهی (حدود ۴۴ درصد کل گونه‌های گیاهان گلدار ایران) وجود دارد که بیشتر از ۲۰۰ گونه آنها انحصاری هستند و در نام علمی خیلی از آنها مانند خاس، کوله خاس، شمشاد، لیلکی، بلندمازو، تاج‌الملوک، انجیلی، تمشک، سفیدپلت، افرا می‌بینیم و اینچنین دیگر به‌یقین کاسپیکا، هیرکانا و پرسیکا که نشانگر ریشه‌های بومی و ایرانی است نشسته است. خیلی از این گونه‌ها مانند شیردار، انجیلی، لرک، شب‌خسب، سفید پلت، خرمندی، توسکای بیلاقلی و اوری در اروپا وجود ندارد.

این پدیده منحصر به‌فرد گیتی که ثبت جهانی شده و چندین قسمت آن عنوان حفاظت‌شده دارد، از آن چند ۲۵ میلیون سال پیش تا همین چند ده سال قبل، زندگی و دورهمی رشک‌برانگیزی برای جهانیان داشتند. در برابر هر سختی، رنج و دگرگونی اقلیمی و انسانی مقاومت کرده بود و با پیچیدگی‌هایی زیستی و فزاینده در فهم دانش و پژوهش بشر، همه تنش‌های پیش‌روی خودش را کنار زده و استوار و سبز، پایدار مانده بود. اما افزایش گرمایش زمین و خشکسالی و از آن مهم‌تر تغییرات کاربری بیش‌آمده که همگی از سوی انسان‌ها هدایت می‌شوند، ورق را برای این جواهر سبزمان به کلی برگردانده است.

جنگل‌های هیرکانی خیلی سالی است که در مسیر قهقرا قرار گرفته است. تغییر به زمین‌های کشاورزی و بعد ویلاسازی‌ها، معدن‌کاوی‌ها، زباله‌ریزی‌های خرد و کلان، وجود دام‌های بی‌اندازه و خارج از ظرفیت جنگل و نیز آتش‌سوزی خیلی وقت است که تیرتیر تمدنی شده‌اند برای نابودی جنگل بدون آنکه به عاقبتش فکر شود. این مهم را تا به حال خیلی از متخصصان ما گفته نه، نه، فریاد زده‌اند. اما گوش شنوا و فهم عالی برای حفاظت از مهم‌ترین، قدیمی‌ترین و کاراترین پدیده سبززمینی‌مان؟ و این همواره یک تحقیر بزرگ برای متخصصان، دوستداران و دغدغه‌مندان منابع طبیعی بوده است. چطور ممکن است برای نابودی گام به گام جنگلی که بسیاری از کشورهای اروپایی آرزوی چند هکتارش را می‌کنند، بی‌خیال، بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت بود؟ واقعاً چطور ممکن است این جنگل شگفت و سترگ این همه تحقیر شده باشد و این همه نادیده گرفته شود.

مطمئن هستیم این تحقیر، نادیده‌گرفتن‌ها و بی‌تفاوتی‌ها روی نداده بود، آتش‌سوزی در جنگل الیت چالوس، به کوتاه زمانی خاموشی می‌شد. اما نشد. آتش‌سوزی توانست همراهی بسیار بیشتری را در مقایسه با ویلاسازی‌ها، زباله‌ریزی‌ها و به‌طور کلی تنوع مختلفی از جنگل‌خواری‌ها، برای ما مطالعه کند. به دنبال داشته باشد. شاید اثرات روانی و روحی که آتش بر مردم می‌گذارد، بی‌تأثیر نبوده است. آتش، دل آدم را خیلی بیشتر به درد می‌آورد، دیدن سوختن موجوداتی که جز ریشه در خاک داشتن هیچ امکان پناه و دفاعی ندارند، تحمل ناپذیر است. خوشبختانه خیلی خوب به آن پرداخته شده است و خواهد شد و امید که دیر یا زود خاموش شود. اما مطالبه حفاظت ریشه‌دار از جنگل هیرکانی و همه منابع طبیعی‌مان نباید هرگز خاموش شود. آنچه بسیار مهم‌تر است لزوم توجه اساسی به نه فقط آتش، به همه عوامل تخریب و نابودی هیرکانی است. است. البته قصه نمادین برای همه مواهب طبیعی‌مان است. همه به چشم می‌بینیم که حال هیچ پدیده‌ای در ایران نیست، برخی هم، بر برخی نیمه‌جان. و برخی دیگر در مسیر نزول و قهقرا هستند. تغییر اقلیم بسیار جدی است، تاراج منابع طبیعی پیگیرانه دنبال می‌شود، باید نشست و برنامه‌های پژوهشگران و عالمان این سرزمین را برای حفاظت، احیا و توسعه منابع ارزشمندمان که جان و تمدن‌مان به آن بسته است گوش داد و فکری درست برای آن کرد و طرحی نورانداخت و گر نه در دهه‌های آینده چیزی از این جز جان باقی نمی‌ماند.

عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور



الهه موسوی

آبان ماه امسال آتش ماندن هیولایی به جان «هیرکانی» افتاد و آنقدر پیش رفت که صدها و بلکه هزاران هکتار از جنگل‌های باستانی هیرکانی ایران را که تا همین چند سال پیش اکسیژن‌حدودنیمی از کشور هستند، خاکستر کرد. «البت» یکی از مناطقی بود که بیشتر از دیگر نقاط سرسورصدا به پا کرد و آتش‌سوزی در آن چند هفته به‌طول انجامید و بعد در بسیاری از نقاط دیگر هیرکانی در استان‌های شمالی تکرار شد؛ فاجعه‌ای که همه ساله در زاگرس نیز در فصول گرم سال در حال بلعیدن جنگل‌های بلوط ایران هستند. اگرچه در باره علت این آتش‌سوزی‌ها نظرات و تحلیل‌های زیادی منتشر شده، اما تا امروز کمتر به «برنامه جامع مدیریت حریق جنگل» پرداخته شده است. همه از عامل انسانی که گاه عمدی و گاهی غیر عمد، جنگل‌های ایران را به خاکستر تبدیل می‌کند، صحبت می‌کنند اما پرسش این است که چرا عامل اصلی این آتش‌سوزی‌ها کنترل نمی‌شود و هر سال در فصول مشخصی در حال تکرار شدن است؟ آیا اساساً برنامه‌ای جامع برای مدیریت این بحران تهیه شده است و سازمان متولی قدمی برای آن برداشته است؟

«حسین‌بدری‌پور» فارغ‌التحصیل دکتری منابع طبیعی باگرایش مسائل اقتصادی-اجتماعی بهره‌برداران منابع طبیعی و عضو شورای جنگل، مرتع و آبخیزداری سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری در این باره تجربه‌های مهم و تکان‌دهنده‌ای دارد، حرف‌هایی که از یک واقعیت تلخ، پرده برمی‌دارد؛ «برنامه‌ای جامع برای مدیریت حریق تهیه شده اما اجرایی نمی‌شود».

او که در طول ۲۵ سال کار در ستاد سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، به موضوعاتی از جمله مشارکت مردمی، تسهیل‌گری اجتماعی، معیشت پایدار روستایی، توسعه روستایی، شناسایی تعارضات و میانجی‌گری برای رفع آن‌ها، ارتباطات و اطلاع‌رسانی، مدیریت جامع، مدیریت بلایای طبیعی، مدیریت خشکسالی، مدیریت جامع حریق-عرصه‌های طبیعی توجه کرده، می‌گوید اگرچه بر این موضوعات مهم به‌طور جامع پرداخته می‌شود، می‌توانستند بخشی از مشکلات مدیریت و بهره‌برداری پایدار منابع طبیعی را حل و فصل کنند و بحران‌های

امروزی اساساً پدید نیایند. بدری‌پور به «اعتماد» می‌گوید: «موضوع حریق جنگل، یک لحظه نیست؛ بلکه موضوعی است که باید ۳۶۵ روز سال به آن بپردازیم. متأسفانه من آنقدر داد زده‌ام که دیگر گلویم پاره شده است. هرگاه حریق اتفاق می‌افتد، امیدوار می‌شوم که شاید نگاه کنند ببینند چه پاید کرد؛ اما هیچ کاری انجام نمی‌دهند و فقط، تکرار مکررات است. تمام اشتباهات، مجدداً تکرار می‌شود که ناشی از بی‌برنامگی است.»

او با اشاره به برنامه‌ای که برای مدیریت آتش جنگل‌های ایران تهیه کرده، می‌گوید: «یک برنامه» مدیریت حریق، نوشته‌ام؛ به تمام مقدسات قسم می‌خورم که این برنامه، مو لای درزش نمی‌رود. اخیراً هم یک پروژه برای «پتیل» (مرکز مدیریت اطلاعات بلایای طبیعی در آسیا و اقیانوسیه) نوشته‌ام و مرحله ششم به آن اضافه کرده‌ام. این برنامه مبتنی بر اصول اطلاع‌رسانی و ارتباطات، جلب مشارکت مردمی، تقویت مدیریت دانش، تقویت انسجام سازمانی و اجتماعی و تقویت ظرفیت مدیریت حریق و مرحله ششم بحث احیا و بازسازی مناطق آسیب‌خورده از حریق است. اما اینجا ظاهر اکیس‌گوش‌شنوائیست و تنها هنگامی که حریق اتفاق می‌افتد؛ یک تاخیر و فشار اجتماعی و رسانه‌ها، به

موضوع پرداخته می‌شود.

اگر همین یک دره فشار هم نباشد اصلاً کسی برای آن، وقتی قائل نیست و هنگامی که فشار زیاد می‌شود تازه یادشان می‌افتد که موضوع، حریق است. در همین موضوع حریق «البت» در منطقه «هرزن آباد» مازندران، که نه منابع طبیعی و نه محیط‌زیست به آن نپرداختند؛ منابع طبیعی می‌گفت منطقه حفاظت‌شده است و مربوط به محیط‌زیست است و محیط‌زیست هم که اساساً به موضوع حریق، توجه خاصی ندارد. در سال ۱۴۰۲ من ۳ کارگاه به اتفاق سرکار خانم دکتر جهدی در استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان شرقی و گیلان برگزار کردم. مسأله این بود که در این کارگاه‌های ۳ روزه، نیروهای سازمان حفاظت محیط‌زیست که شرکت کنند در دوره بودند، می‌گفتند: «اساساً اطافی و جنگلیان باید به اطافی حریق بپردازند.»

مدیریت عامل اصلی حریق جنگل

تمام آمارهای رسمی و غیررسمی، عامل ۹۰ درصد آتش‌سوزی‌های جنگل‌های ایران را «انسانی» می‌دانند، اما چرا کاری برای مدیریت این عامل مهم انجام نمی‌شود؟ بدری‌پور در این باره می‌گوید: «صلی که اخیراً دارم به آن می‌پردازم این است که ۹۰ درصد حریق‌ها منشأ انسانی دارد. یعنی اگر مادمست روی دست بگذاریم و مردم از عرصه فاصله بگیرند و به جنگل وارد نشوند، فقط ۱۰ درصد حریق‌ها منشأ طبیعی خواهد بود. رعد و برقی اتفاق بیفتد؛ حرارت و دمای هوا بالا باشد و... آتش‌سوزی طبیعی بشود؛ اما حریق جنگل در ۹۰ درصد موارد منشأ انسانی دارد. منطق می‌گوید باید به این‌ها پرداخت. در صورت بپردازیم، یعنی با اطلاع‌رسانی و هشدارها و حتی گرایش مردم آگاه‌شوند که سهل‌انگاری و حرکات سهوی‌شان می‌تواند باعث حریق شود و به‌جای ممکن است باعث مرگ یک انسان شود. ممکن است همین سهل‌انگاری من منجر به حریق و باعث مرگ یک نفر بشود یا خسارت‌های سنگینی به منازل و حتی عرصه وارد کند. هزینه اینها را چه کسی می‌دهد؟ اینها جزو هزینه‌هایی است که من به جامعه زده‌ام و از روی باید هزینه‌های آن را به صورت معنوی پس بدهم. به هر حال اگر درست اطلاع‌رسانی بشود و مردم آگاه بشوند و زنه‌ار دانه بشوند، می‌تواند باعث کاهش وقوع حریق باشد.»

نمادی برای اطلاع‌رسانی حریق

به گفته بدری‌پور، همچنان که روز گاری در کشور «بابا برقی» نماد برق و الگوی مصرف و مدیریت آن بود؛ برای مدیریت حریق جنگل نیز باید یک نماد داشته باشیم. او می‌گوید: «از شهریور ۱۳۹۳ به چهار سازمان منابع طبیعی، محیط‌زیست، صاوسیمو مدیریت بحران از طریق یکی از انجمن‌های مردم‌نهاد، نامه نوشته‌ام که درباره حریق لازم است یک نماد داشته باشیم و این نماد، اطلاع‌رسانی شود. اشاره کردم به «اسموکی بیر» که نمادی در امر یکاست و از دهه ۱۹۳۰ از طریق آن به افکار عمومی اطلاع‌رسانی می‌شود. فیلم و کارتون و تمبر و بنر و پوسترهایی که در طول جاده‌های مختلف ایالات متحده امریکا نصب هست و به مردم هشدار می‌دهد که در رابطه با حریق، آگاهانه اقدام کنید. اما هیچ اقدامی تا این لحظه نشده و من هر بار که پیگیری کردم یکسری جلساتی برگزار شده دوباره موضوع رها شده است.»

به گفته این فارغ‌التحصیل منابع طبیعی، نکته‌ای که ما در اطلاع‌رسانی باید به آن بپردازیم این است که هر درخت، چقدر می‌ارزد؟ یک جنگل چه تعداد درخت دارد و چقدر هزینه نگهداری آن است؟ یک سهل‌انگاری بسیار ساده می‌تواند باعث آتش‌افروزی و از بین رفتن تعداد بسیار زیادی درخت، هزینه‌های هماهنگ کردن هلی‌کوپتر، هماهنگ کردن ایلوشین‌ها... باشد. تمام اینها هزینه است و باید مردم را آگاه کرد که یک سهل‌انگاری

می‌تواند چه هزینه‌های سنگینی به سیستم دولت وارد کند.

فقدان احساس تعلق ملی

نکته بعدی که بدری‌پور بر آن تأکید می‌کنند این است که مردم احساس نمی‌کنند این مملکت مال خودشان است. او می‌گوید: «در همیشه این مثال را می‌زنم که ما تا داخل منزل هستیم زباله نمی‌ریزیم؛ اما از منزل که خارج شدیم در همان آپارتمانی که هستیم در قسمت مشاعات مثل راه‌رو یا پارکینگ زباله می‌ریزیم؛ وارد کوچه می‌شویم زباله می‌ریزیم. بعد هم می‌گوییم «شهر ما، خانه ما» این نشان می‌دهد همه می‌دانند؛ اما یک مقاومتی هست از فشاری که دولت‌ها به مردم وارد می‌کنند؛ مردم هم فشار وارده را به یک شکلی تخلیه می‌کنند. باید در این بحث اطلاع‌رسانی و ارتباطات و جلب مشارکت مردمی، به گونه‌ای اطلاع‌رسانی شود که مردم احساس کنند این مملکت و این جنگل‌ها مال خودشان است و اگر در وضعیت خوبی باشد خودشان منتفع می‌شوند. در جامعه‌شناسی یک نظر به داریم که من امسال در دانشگاه شیراز در همایش پارک‌های ملی، ارایه دادم؛ به‌د موضوع پرداخته‌ام که در روانشناسی و جرم‌شناسی بدان توجه شده است. یکی «تنوری پنجره شکسته» است که می‌گوید اگر ساختمان قدیمی مترو که‌ای را ببینید که شیشه‌های آن شکسته است احتمال زیادی دارد که



شما هم یک سنگ‌برداری دود به پنجره‌های سالم آن نشانده بروید و شیشه‌های سالم آنها را بشکنید. تنوری بعدی «تنوری اثر دومینو» است که اگر شما جایی بروید که یک پنجره را بشکنید، بقیه پنجره‌ها را هم بشکنند. حتی یک دستمال کاغذی کوچک را زمین بیندازید. خلاصه کلام اینکه اگر جنگل‌ها مدیریت درست و طبیعت‌زیبایی داشته باشند، احتمال اینکه مردم در آتش خاموش کردن و کبریت انداختن و دیگر مواردی که عامل ایجاد حریق هستند سهل‌انگاری نکنند، بیشتر می‌شود و جایی که زباله ریخته و کثیف و به هم ریخته و به حال خود رها شده است، احتمال اینکه شهروندان سهل‌انگاری کنند، آتش خاموش را رها کنند و زباله‌ها را بریزند، بسیار زیادتر است. اینها همه موضوعاتی است که باید در بحث «کاهش احتمال وقوع حریق» به آنها پرداخته شود.»

مشکل ساختاری برنامه

از نگاه این کارشناس بین‌المللی منابع طبیعی، ساختار سازمان برنامه و بودجه یکی از علت‌های سر و سامان نیافتن «برنامه جامع مدیریت حریق جنگلی» است. او می‌گوید: «متأسفانه در ساختار اداری دولت‌های ما که سازمان برنامه و بودجه» در راس آن قرار دارد، «برنامه»، یعنی چند صفحه مشخصات کلی و تعریف و اینها و انتها یک جدول هزینه‌کرد است. یعنی چیزی که از برنامه می‌دانند ۱۰-۱۵ صفحه کاغذ پرکن و فیلر، یک روکش



واکاوی حریق جنگل‌های ایران در گفت‌وگو با عضو شورای جنگل – مرتع

آتش بی‌برنامه‌گی بر جان جنگل‌ها

را به صورت میدانی به منطقه گسیل کئی و نیروهای زنده‌ای باشند؛ عرصه را بررسی کنند و گزارشی تهیه کنند به ستاد فرماندهی که به آن مرکز فرماندهی ICS گفته می‌شود و به آنجا اعلام کنند که حریق، احتمال گسترش دارد و باید علاوه بر نیروهای شهرستان، نیروهای استان و چه بسا نیروهای پشتیبان دو-سه استان دیگر هم خود را برای گسیل به منطقه آتش آماده کنند و اگر لازم است همان زمان اعلام کنند که با لگرد و چه بسا هواپیما باید برای انجام عملیات هوایی اعزام شود. بر اساس گزارشی که از مرحله ارزیابی اثرات می‌آید، ستاد فرماندهی تصمیم می‌گیرد که چه نیروهایی اعزام بشوند و چه نیروهایی باید برای پشتیبانی آمادگی داشته باشند. مرحله بعد، تخلیه ضایعات و احیا و بازسازی است که من این دو مرحله را در حریق ادغام کردم.

انسجام سازمانی

بدری‌پور یکی از گرفتاری‌های عمده دستگاه‌های دولتی را این مسأله عنوان می‌کند که همه کار می‌کنند؛ اما کسی گوش نمی‌کند و نمی‌خواهد از تجارب قبلی استفاده کند. او می‌گوید: «در زندگی شخصی، افراد عاقل معمولاً دو بار یک خطا را انجام نمی‌دهند. اما هنگامی که در پشت میز اداری می‌نشینیم، دیگر کسی توجه نمی‌کند که تجربه حریق قبلی چه بوده که امروز دوباره تکرار نشود. این تصویری که من گذاشتم راهاندازی مدل نتیجه محور، در علم مدیریت پروژه به آن توجه می‌شود. می‌گوید طراحی کن؛ اجرا کن. ارزیابی کن ببین چه اتفاقاتی افتاده بعد اصلاح کن و دوباره تکرار کن. یعنی شما در یک چرخه، برنامه‌ای را که برای حریق است تدوین می‌کنی؛ این برنامه الان باید اجرا شود. آن برنامه را با اجرا می‌شود و گره‌های آن درمی‌آید و ظرف مدت کوتاهی برنامه شما اصلاح می‌شود. آقای سازمان منابع طبیعی! آقای سازمان محیط‌زیست! آیا تاکنون چنین کاری را انجام داده‌ای یا نه؟! این سازمان‌ها حتی یک گزارش مستند ندارند که چه کرده‌اند؟ کافی است شما گزارش چند مانور را از اینها بخواهید. اگر چیزی دست‌تان آمد آن وقت من می‌گویم گزارش عملیات اطافی حریق داریم.

من برای اینکه به این موضوع بپردازم فقط چند مدت صفحات آتش‌نشان‌ها را دنبال می‌کردم که ببینم آتش‌نشان‌ها چه کار می‌کنند و چگونه گزارش تهیه می‌کنند؟ بسیار منظم؛ حالا بیا از مجموعه‌ما گزارش‌ها را بخواند و بررسی. اصلاً جدولی و پروتکلی دارند برای اینکه چه بایدکنند یا چه کاری نبایدکنند؛ تمام این موارد را به صورت خیلی سطحی می‌پردازند و بعد دوباره حریق بعدی و باز تکرار همان اشتباهات»

تقویت انسجام اجتماعی و سازمانی

او دربارۀ تجهیزات مقابله با حریق جنگلی معتقد است: «خیلی دنبال تجهیزات پیچیده نباید بود. تجهیزاتی که ما داریم با آن عملیات اطافی حریق انجام می‌دهیم، وسایل بسیار ساده‌ای است که ممکن است در خانه‌های من و شما نیز پیدا شود. مسأله‌ای که سازمان باید بدان بپردازد «تقویت انسجام اجتماعی و انسجام سازمانی» است. دستگاه‌های بسیار زیادی مگلفند اقدام کنند و کار نفر از برای است. اما هیچکس به این موارد نمی‌پردازد و فقط وقتی که حریق اتفاق می‌افتد یا می‌خواهند یک مانوری انجام بدهند، یک نامه می‌زنند به دستگاه‌هایی که بیا؛ اگر آموزشی بخوانند انجام دهند که فقط آن تیبک آموزش بخورد، مجبور می‌شوند یک نامه‌ای به پادگان و... بنویسند که ما کارگاه حریق داریم و... بحث انسجام سازمانی یک فن است که همکاران ما باید بیستند و اگر به این مسأله بپردازند، تجهیزات ما در دستگاه‌های مختلف موجود است؛ در زمانی که دارند «برنامه مدیریت حریق» می‌نویسند، در بخش آمادگی یکی از کارهایی که باید انجام شود این است که چه منابعی در چه دستگاهی وجود دارد که می‌توانند در زمان اطافی حریق، عملیات شود؟ اما متأسفانه چون برکت‌دگی و فاصله دستگاه‌ها بسیار زیاد است، هر دستگاهی که تعارض منافع وجود دارد، خودش داشته باشد. یک جدولی می‌نویسد و با اعداد نجومی، روی میز سازمان برنامه می‌رود. هر چقدر هم عدد بزرگ‌تر باشد، هیچ‌وقت محقق نمی‌شود. بعد هم می‌گویند که ما یک برنامه داریم که ۱۵ سال است پاسخی از سازمان برنامه و ستاد مدیریت بحران نگرفته و تأمین اعتبار نشده است و مشکل از ما نیست؛ بلکه از آن دستگاهی است که تأمین اعتبار نکرده است.»

تعارض منافع

تعارض منافع؛ یکی دیگر از محورهای مدیریت حریق جنگلی در ایران است. بدری‌پور در انتها با تأکید بر این موضوع می‌گوید: «ما بارها گفت‌ام و نوشته‌ام و الان هم می‌گویم سازمان‌های مرتبط به حریق جنگل به نوعی از حریق منتفع می‌شوند؛ یک تعارض منافع وجود دارد. وقتی که حریق اتفاق می‌افتد، اینها دیده می‌شوند؛ اما حریق حریق برای آرتانیم به نام «پتین» هماهنگ کردند و ۲۰۵ نفر از سازمان برنامه و آقای افلاطونی و پیش‌قدم را با خودش به‌مرکز سیمادار ایتالیا برای یک بازدید ۳-۴ روزه در حوزۀ مدیریت حریق بردند. بنابراین، کارهایی که رویکرده به جای حل مسأله، انتفاع باشد انتظار نداشته باشید که کسی بیاید و برنامه مدیریت حریق انجام دهد. یک برنامه عملیاتی که حریق کمتر اتفاق بیفتد یا در زمان کمتری حریق خاموش شود. یک برنامه حریق برای آرتانیم به نام «پتین» می‌نوشتیم که با بنود یکسری اطلاعات هم در گزارش ما باشد؛ دیدم اطلاعاتی را که از نظر سطح حریق و تعداد آن، به گونه‌ای گزارش داده بودند که باید کل دنیا بچاند و از سیستم سازمان منابع طبیعی ایران یاد بگیرد وضعیت هوا... را بگیرد و در نهایت بگوید که آیا خودمان هم رو راست نیستیم!



گفت‌وگوی اختصاصی «اعتماد» با مربی تیم ملی فوتسال پس از قهرمانی در جام ملت‌ها

محمود خوراکی: اشک‌های شمسایی به خاطر فشار فنی بود!

روزبه دلاور

تیم ملی فوتسال ایران با غلبه بر مالزی برای چهاردهمین بار بر قله قاره کهن ایستاد و قهرمان جام ملت‌های آسیا شد. این فینال در اتمیک در حالی برگزار شد که بیش از ۱۶ هزار تماشاگر پرشور میزبان جوی سستگین و فشار مضاعفی را علیه ملی پوشان ایجاد کرده بودند. در این مارا تن نفسگیر بازی به شکلی کاملاً پایا پای دنبال شد و مالزی با حمایت هواداران آتش پا یداری سرسختانه‌ای نشان داد. با این حال، ایرانی‌ها با مدیریت هوشمندانه بازی و عبور از این نبرد سخت موفق شدند حریف را شکست داده و بار دیگر با شایستگی جام قهرمانی را به خانه بیاورند. پس از پایان بازی‌ها و در حالی که ملی پوشان در راه برگشت به کشور مان بودند با محمود خوراکچی یکی از مربیان تیم ملی گفت‌وگویی ترتیب دادیم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

■ **سطح این دوره از مسابقات را چطور دیدید؟**
ابتدا باید بگویم این قهرمانی دسترنج تمام خانواده فوتسال بود از باشگاه‌ها و مدیران و مربیان لیک و اصحاب رسانه تا کمیته فوتسال. همه دست به دست هم دادند تا سخت‌ترین دوره این مسابقات را با قهرمانی پشت سر بگذاریم. من سه ماه پیش در شبکه خبر مصاحبه کرده بودم و پیش‌بینی کردم که ایران و اندونزی به فینال می‌رسند. اما تمام کشورهای آسیایی را رصد کرده بودیم، اندونزی پیشرفت زیادی داشته و همان موقع گفتم که ما با آنها فینالیست می‌شویم

خبر اختصاصی

انتخابات فدراسیون تکواندو دونامزد سرشناس ردصلاحیت شدند

طبق اطلاعات رسیده به خبرنگار اعتمادآنلاین، دو رقیب اصلی هادی ساعی در انتخابات فدراسیون تکواندو یعنی محمد پولادگر و اصغر رحیمی ردصلاحیت شدند. این دونامزد کمیسیون تطبیق وزارت ورزش که مسئولیت بررسی مدارک مدیریتی نامزدها را دارد، رد شده‌اند. به گزارش «اعتمادآنلاین»، ثبت‌نام از نامزدهای حضور در انتخابات فدراسیون تکواندو که از ۲۹ دی ماه آغاز شده بود، روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه به پایان رسید و در نهایت ۱۵ نفر ثبت‌نام خود را قطعی کردند. بر همین اساس یوسف کریمی، هادی ساعی، اصغر رحیمی، حسین حسین‌زاده، فریبرز عسکری، مجید نبیری، سید محمد پولادگر، مجید دیپافر، علی نوری، احمد لاریجانی، میرسلیمان موسوی، سیدحسن زاهدی، مجتبی نظری، علی باوقار و سیرتوس رضایی برای حضور در انتخابات فدراسیون تکواندو ثبت‌نام خود را قطعی کردند. ۲۱ دی دوره چهارساله ریاست هادی ساعی در فدراسیون تکواندو به پایان رسید و احمد نوایی با حکمی از سوی وزیر ورزش به عنوان سرپرست فدراسیون منصوب شد تا مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم کند. طی چند روز گذشته و بعد از ثبت‌نام نامزدها، محمد پولادگر، رئیس پیشین و اصغر رحیمی، دبیر سابق فدراسیون تکواندو به عنوان اصلی‌ترین رقبای هادی ساعی نام برده شد. پولادگر بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰ به مدت ۲۱ سال ریاست فدراسیون را بر عهده داشت و سپس در دولت مرحوم ریسی به عنوان معاون وزیر ورزش منصوب شد. پولادگر هم‌اکنون نایب‌رئیس کمیته ملی پارالمپیک است و قرار است سرپرستی کاروان ایران در بازی‌های پارالمپیک ناگویا را هم بر عهده بگیرد. اصغر رحیمی نیز در سال ۱۴۰۲ به



که همین هم شد. اما تیم ما مقابل ۱۶ هزار و پانصد تماشاگر پرشور حریف توانست کار بزرگی انجام دهد. در دست که با بنالتی بردیم اما تیم اندونزی اصلاً تیم دست و پا بسته‌ای نبود؛ زاین را به زانو کشانده بود و بقیه را قیلاً را شکست داده بود و به فینال رسیدند. ■ **چقدر شناخت از این تیم داشتید؟**
مقابل از این مسابقات بازی‌هایشان را رصد کرده بودیم و هم حین بازی‌ها، واقعاً آنالیز خوبی نسبت به این تیم داشتیم و بچه‌ها هم الحق و النصف با تمام وجود بازی کردند و اتحاد و همدلی در تیم ما موج می‌زد. حضور آقای تاج هم در اندونزی نشان داد که خیلی به فکر بازیکنان هست و با توجه به کرسی‌ای که در ای‌اف‌سی دارد، دوست داشتیم جام قهرمانی را که آقای تاج تحویل می‌دهد به هموطنان خودش بدهد! ■ **آماده‌سازی پیش از مسابقات چطور بود؟**
تنهایی بودیم که بازی‌های تدارکاتی نداشتیم اما تمرینات بیشتر و پشتکار بیشتر توانستیم این خلأ را پر کنیم اما گفته‌مانند ما در سال ۱۴۰۴ در تورنمنت‌های مختلفی حضور داشتیم اما از این منظر گفتم که قبلاً از این مسابقات نتوانستیم بازی‌های تدارکاتی داشته باشیم اما تعداد بازی‌هایمان به لحاظ اینکه رنگ فیلار حفظ کنیم قابل قبول بود.

■ **اندونزی تا این حد پیشرفت کرده که برای برد مقابل این تیم تا این حد به دردتور بیفتیم؟**
نمایش اندونزی دسترنج حمت ۵،۴ ساله‌اش بود که هدف‌گذاری کرده بودند و در فوتسال سرمایه‌گذاری زیادی انجام دادند و این سرمایه‌گذاری آنها هم به لحاظ فنی و هم سخت‌افزاری نشان داد که بحق فینالیست شدند. یک تیم سخت‌کوش و با برنامه بودند. آن‌ها قبل از

این تورنمنت با تیم‌های درجه یک دنیا بازی کرده بودند و ما آنها را آنالیز کرده بودیم که چقدر در آن بازی‌ها هم خوب بودند. مثلاً رزانتین به زور ۲ بر ۱ این تیم را برده بود یا هلند را ۴ بر ۲ و تایلند را در کشور خودش ۱ بر ۰ برد بودند که نشان می‌دهد تیم قابل احترامی هستند. ■ **بقیه مسابقات تیم ملی چطور بود؟**
به غیر از بازی با مالزی بقیه بازی‌ها دشوار بودند، عربستان اگر در هر گروه دیگری بود صعود می‌کرد و رقیب قوی بود و افغانستان و ازبکستان و عراق هم سرسخت بودند. ما بازی با مالزی را یک بازی تدارکاتی در نظر گرفتیم و بقیه بازی‌هایمان دشوار بودند. ■ **از میزبانی اندونزی رضایت داشتید؟**
شرایط میزبانی خوب بود، هتل و تغذیه خوب بود. کمیته فوتسال با آقای تاج و همکارانش به خوبی شرایط را فراهم کرده بودند فقط کفش سالن و نور را نمی‌شد برای بازی‌های بین‌المللی خوب حساب کرد! تعجب کردم که AFC چطور می‌تواند مجوز بازی‌ها را در این سالن‌ها داده بود. اما سالن بازی فینال، کفپوش و نور خوبی داشت و تهویه خیلی خوب بود که با آن همه تماشاگر گرما را احساس نمی‌کردیم. کاملاً هوای مطبوعی داشت و بازیکنان فشار تنفسی نداشتند اما در بقیه بازی‌ها مشکل تنفسی پیدا کرده بودیم! با تمام این تفاسیر من نمره قبولی می‌دهم. ■ **چرا سر مربی تیم ملی در زمان اهدای جام حضور نداشت؟**
نماینده AFC زمانی که تیم‌ما می‌خواست مدال خودش را بگیرد اجازه ندادند که بیشتر از هفت نفر روی سکو بروند که هفت نفر هم جلودار ما رفتند! تلاش آقای شمسایی به عنوان سرمربی هر لحظه می‌توانست برود

نگاه

جام گرفتیم اما پیشرفت نکردیم نگرانی‌های یک قهرمانی



چهاردهمین قهرمانی تیم ملی فوتسال ایران در قاره کهن بیش از آنکه جشنی برای تداوم اقتدار باشد شباهت بسیاری به یک زنگ خطری جدی داشت. اگرچه ایستادن بر سکوی نخست آسیا همواره از نشانه‌های افتخار و پیروزی است، اما این بار نگرانی‌ها فراوان به دست آمد. این وضعیت نگرانی‌ها را برای حضور در جام جهانی و تقابل با قدرت‌های تراز اول جهان دوچندان کرده است. در سال‌های نه چندان دور فوتسال ایران با فاصله‌ای کجکشتانی نسبت به سایر تیم‌های آسیایی حرکت می‌کرد اما در این مدت شاهد بودیم که تیم‌هایی نظیر عربستان و اندونزی و افغانستان و حتی تیم‌های درجه دو آسیا دیگر ترسی از نام ایران ندارند. پیروزی‌های مقتدرانه خود را بر عهده‌های ناپلونی و لرزان داده است. این قهرمانی شکننده نشان‌دهنده آن است که برنامه‌ریزی تمرینی و استراتژی‌های بازی تیم ملی همگام با تغییرات مدرن فوتسال دنیا پیش رفته است. در حالی که رقبای ما با تکیه بر ساختارهای دفاعی منظم و انتقال سریع بازی را بر ما دیکته می‌کردند تیم ایران همچنان به خلاقیت‌های فردی و جرقه‌های بازیکنان خود متکی بود. تیم ملی ایران در این مسابقات در بازی با افغانستان با دو گل از حریف عقب افتاد و در دیدار نیمه‌نهایی نیز با عراق دو-دو مساوی بود که موفق شد گل‌های برتری را بزند. در بازی فینال تیم ملی ایران ابتدا سه بر یک از حریف خود عقب افتاد و سپس به بازی برگشت. در دیدار نهایی شاگردان شمسایی هرگز از حریف پیش نیفتادند و در طول زمان بازی مشغول تلاش برای جبران عقب‌ماندگی و به تساوی کشاندن بازی بودند.

ایرلاین‌هایی که قارچ‌گونه سبز شده‌اند!

در ایران چیزی حدود ۲۷ شرکت هواپیمایی وجود دارند که گاهی با شمار ایرلاین‌های پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان برابری می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۵ حدود ۲۷ شرکت هواپیمایی ایرانی فعالیت می‌کنند که مجموعاً نزدیک به ۱۵۶ فروند هواپیما، اعم از متعلق به خود یا اجاره‌ای دارند؛ اگرچه باید تأکید کرد که بخش قابل توجهی از ناوگان به دلیل کمبود قطعات غیرفعال است. این موضوع در حدی است که کشوری به وسعت آمریکا که به نوعی مهد صنعت هوایی است تنها حدود ۲۶ ایرلاین در اختیار دارد. **گرفتاری تعدد ایرلاین‌ها**
بررسی‌ها نشان می‌دهد در حالی که ایران با کمبود ناوگان هوایی و تعداد محدود پرواز مواجه است، حدود ۲۷ شرکت هواپیمایی در کشور فعالیت می‌کنند؛ رقمی که چندین برابر کشورهای پیشرفته و منطقه است. در کشورهایی مانند قطر، امارات و ترکیه با وجود حجم بالای پرواز، تنها ۴ تا ۵ ایرلاین فعال وجود دارد و در اغلب کشورهای بزرگ نیز میانگین ۱۰ تا ۱۵ ایرلاین فعالیت می‌کنند. براساس آمار سال ۱۴۰۳، مجموع پروازهای داخلی ایرلاین‌های ایرانی حدود ۱۶۲ هزار پرواز بوده و برخی ایرلاین‌ها روزانه تنها ۴ پرواز انجام داده‌اند، در حالی که ایرلاین‌های بزرگ منطقه روزانه حدود ۲۰۰ پرواز دارند. چندی پیش حمیدرضا صائمی، معاون هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری درباره تعداد بالای ایرلاین‌ها در کشور به تسنیم گفت که «شکل‌گیری سیستم هوانوردی در کشور یک شبهه نبوده و در حمل‌ونقل هوایی یکی از اصلی‌ترین پارامترهای بروز این اتفاق (تاسیس ایرلاین‌های متعدد در کشور) آن است که به حال محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌دار بودن در کشور است.» او ادامه داد: «سرمایه‌داران به دلیل ریسک‌ها و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها نمی‌توانند فعالیت‌ها را گسترش دهند و ریسک افزایش می‌یابد، ضمن اینکه سرمایه‌گذاری هم در این وضعیت اقتصادی کار را سخت می‌کند و آورده اولیه که بتوانیم یک ایرلاین بزرگ را تاسیس کنیم، سخت‌تر است.» صائمی با اشاره به نقش سیاست‌های اقتصادی گفت: «در برخی مقاطع شرایط اقتصادی کشور مزایایی را برای فعالان اقتصادی در نظر می‌گیرد و به گونه‌ای مردم سرمایه‌گذاران را ترغیب می‌کند که خودشان از این مزایا بهره‌مند شوند. از سوی دیگر تضمین لازم در قوانین بالادستی برای سوق دادن مردم به سمت تشکیل هلدینگ‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی با مشکلاتی مواجه است. با وجود مزایای متعدد جمعیت کسب‌وکارها، سرمایه‌گذاران به دلیل مخاطرات و ریسک‌های جیح می‌دهند و راد این حوزه نشوند.» معاون هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری تأکید کرد: «یکی از نقش فاینانسورها و لیزور هاست. در بسیاری از کشورها، چین گرفته تا آمریکا، شرکت‌هایی وجود دارند که مالک تعداد زیادی هواپیما هستند و آنها را متناسب با نیاز کسب‌وکارها به صورت «لیز خشک» یا «لایز تر» (Dry Lease) ایرلاین‌ها قرار می‌دهند. در لیز خشک (Dry Lease) اجاره هواپیما بدون ختمه پرواز، تعمیر و بیمه بوده و فقط خود هواپیما تحویل ایرلاین می‌شود. این در حالی است که در لیز تر (Wet Lease) اجاره هواپیما همراه با خدمه پرواز، تعمیرات و بیمه است و ایرلاین فقط مسافر و فروش بلیت را مدیریت می‌کند.» صائمی افزود: «شرکت‌های هواپیمایی منطقه مانند ترکیش ایر یا پگاسوس نیز غالباً مالک تمام ناوگان خود نیستند و از سرمایه‌گذاران و لیزورها استفاده می‌کنند، اما به دلیل محدودیت‌های

ادامه از صفحه اول

برای گفت‌وگوی ملی و پرهیز از خشونت

پذیرش اشتباهات و حرکت به سمت اصلاحات اساسی است. حکمرانی هوشمندانه نیازمند انعطاف، درس‌آموزی از تجربیات و تغییر مسیرهای نادرست است. در این مسیر، اقدامات اخیر دولت در بهرسمت شناختن اعتراضات و انتشار اسامی کشته‌شدگان، گام‌های مثبتی ارزیابی می‌شوند. این حال، نیاز به شفافیت بیشتر، پاسخگویی کامل و رسیدگی قضایی عادلانه به تمامی ابعاد ماجرا و تضمین عدم تکرار چنین فجایی، بیش از پیش احساس می‌شود. اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران بر این باور است که جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگری نیازمند گفت‌وگوی ملی فراگیر، عقلانیت و «عملیت جمعی» است. گفت‌وویی که در آن، قضایی‌امن برای نقد سازنده، حضور صداهای مختلف و مشارکت نهادهای مدنی و علمی در فرآیند تصمیم‌سازی فراهم آید. ما بازم بهر بر ولایت دادن به تصمیم‌گیری و زندگی شرافتمندانه، اعتماد، گفت‌وگو و هویت ملی، حداقل‌های معیشتی مردم و تلاش برای جلوگیری از انزوای بین‌المللی کشور و خطر ریزش جنگ تأکید می‌کنیم. امید داریم فاجعه دی ماه، به مثابه زنگ خطری جدی، همگان را به ضرورت بازنگری، خردورزی جمعی و حرکت به سمت اصلاحات اساسی و مردم‌سازی حکمرانی متعادل کند. آینده‌ای بهتر برای ایران در سایه آرامش، امنیت و احترام به حقوق همه شهروندان مسیر خواهد شد. دولت باید با نامج‌های علوم اجتماعی ایران، اتحادی علمی و فرهنگی و همکاری این مسیر دشوار، با ارائه تحلیل‌های علمی و راهکارهای عملی، اعلام می‌دارد. اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران، به عنوان نهاد فراگیر متشکل از دانش‌های انجمن علمی معتبر کشور، شامل انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن مطالعات صلح ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران، انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن جمعیت‌شناسی ایران، انجمن ایرانی اخلاق در علم و فناوری، انجمن ایرانی تاریخ اجتماعی علم و فناوری، انجمن پیشگیری از خودکشی ایران، انجمن ترویج علم ایران، انجمن راه‌بردهای اجتماعی ایران، انجمن توسعه فرهنگی ایران، انجمن تمدن‌داران اجتماعی ایران، این‌بنیانه، با اتکا به دانش جمعی و مسئولیت اخلاقی اعضای خود صادر نموده است. عضو هیات‌مدیره با تأکید بر واقعیت‌های علمی و اجتماعی ایران و انجمن علوم سیاسی ایران



سوسن تسلیمی (سمت چپ) در نمایش مرگ بزرگ‌درد به کارگردانی بهرام بیضایی

یادی از سوسن تسلیمی در هفتادوششمین زادروزش با نگاهی به کتاب «گفت‌و گوی محمد عبدی با او»

بانوی هنرپیشه؛ چشم و چراغ تئاترهای حرفه‌ای

سوسن تسلیمی نیازی به معرفی ندارد. او با کارنامه‌ای درخشان، بحق به عنوان بهترین بازیگر تاریخ سینمای ایران شمرده می‌شود. از آن دست بازیگرانی که به‌قول بهرام بیضایی هر صد سال یک بار ظهور می کنند. تسلیمی، در این کتاب نشان داد که تئوری‌سینی بزرگ در عرصه‌های بازیگری است و چندان درخشان، آگاهاننده و محیط بر درخت تناور بازیگری تئاتر است که برای همه اصحاب تئاتر ایران، جای شکوه و درخشش دارد. شاید تئوری‌های بازیگری را با در جاتی که به استاد آن رشته محدود می شود، کم و بیش و در داد و دهشی متقابل بدانند، اما مطالعه این کتاب برای هر تئوریسین تئاتری از اوجب واجبات است. سوسن چنان با احاطه و تسلطی مثال‌زدنی به همه گوشه و کنار بازیگری سرک می کشد که در برابر پرسش‌های محمد عبدی، هیچ کم نمی آورد؛ سهل است دفتری هماره گشوده از دانش و بیشش تئاتری خود را به رخ می کشد و نشان می دهد که این بازیگر توانمند که حالیا دیگر تئاتر ما باید با خاطر‌هایش زندگی کند، جای فخر و نازش دارد. کتاب را که باز کردم و دیدم سوسن فی‌الواقع در این گفت‌وگوی سه ساعته که در سوئد و لندن با محمد عبدی انجام داده، شاخ غول را شکسته و چندان هوشمندانه و موسع سخن می گوید که برای تمامت طول تاریخ بازیگری ایرانی، مایه انتباه و تفاخر و تحول است. من به یاد دارم که علی رفیعی، استاد رشته بازیگری دانشگاه تهران، در سی داشته و به نام تحولات اجرا، الان بر خطه خطیر ذهن من از اصطلاح تحول اجرا، کتاب چاپ چهارمی گفت‌وگوی بلند سوسن تسلیمی با محمد عبدی است. نکته‌ای بگویم و بگذرم. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در سال ۱۳۵۹ رساله دکتری خود را با عنوان صور خیال



همایون علی‌آبادی

در شعر فارسی منتشر کرد. کتاب را که می گشایم، دو بیت از غزل معروف حافظ به چشم می آید: «ز هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود/نهار از این بیابان، وین راه بی‌نهایت/این راه را نهایت، صورت کجا توان بست؟/کش صدر هزار منزل، بیش است در بدایت...». نوشت که با حضوری جدی در کتابخانه‌های معتبر دنیا، رساله دکتری خود را دستخوش تحولاتی کرده و اینجااست که پرده‌ها را کنار می‌زنیم، حریرواره موج را از پس مه به سویی می افکنیم و درمی‌یابیم که بزرگ‌مردی مانند شفیعی، رساله دکتری خود را نیز با دانش موسع خود تغییر می دهد. سوسن تسلیمی هم از آن دست بزرگانی است که مانند شفیعی کدکنی، با حضور مستمر ۳۰ ساله‌اش در سوئد نشان می دهد فرهیخته‌ای بزرگ، استادی مسلم و دانشی زنی آگاه در جوی جوی بازیگری است. چندان که شفیعی نیز در لحظه‌لحظه آنات رساله دکترایش، بی‌آنکه مال و ملولی از او بر جیفه دنیایی تفکر نشسته باشد، کتابش را تغییر می دهد. سوسن در کتاب محمد عبدی، به تمام پرسش‌های احتمالی دانشجویان تئاتر، پاسخی از باب توسع می دهد: «چه خوب است که این را شما می‌گویید. قبلاصحبت کردیم درباره اینکه نقش در آدم حلول می کند. هر آدم هم حرکات خاص خودش را دارد. من خودم گاه آگاهانه سعی می کنم ببینم این حرکتم ربطی به نقش‌های قبلی‌ام نداشته باشد و اگر احساس کنم که ربطی دارد، خیلی زود تغییر شان می دهم. مده‌ا دختر پادشاه بود و به نظر جیسون به پدرش خیانت می کند و با او می گریزد. جیسون پس از چندی، عاشق دختر پادشاه هلند می‌شود و مده‌ا را ترک می کند. مده‌ا در اوج رنج، اندوه، ناامیدی و خشم، از جیسون انتقام گرفته و دو فرزند مشترک شان را به قتل می‌رساند و باارابه خویش به آسمان می گریزد تا آنکه نمایش پیش می‌رود و مده‌ا دیگر جایی در نینداند. نه می‌تواند به وطن برگردد و

نه به جای دیگری برود، یعنی بی پناهی کامل این زن. تنهایی و غریبگی و بی‌پناهی مده‌ا را حس می‌کردم و خودم را به او نزدیک می‌دیدم. بی‌رحمی‌هایش را می‌فهمیدم، ولی نمی‌توانستم بپذیرم، ولی هر بازیگری در مقابل نقشش باید طوری بازی کند که به او حق بدهد. یعنی وقتی مده‌ا هستی، باید طوری بازی کنی که او حق دارد این قساوت‌ها را انجام بدهد. بعضی بازیگران یک‌جوری باطعنه با نقش‌شان روبه‌رو می‌شوند که آن وقت می‌شود تپ». این برش را از آن رو آوردم که بدانید عبدی تا چه اندازه سوسن را بر توسن خیال نشانده و با او به سرزمین‌های بازیگری پرواز می کند. از یزر گواری سوسن هر چه بگویم کم گفتم‌ام، اما «کم گوی و گزیده گوی چون دور، تا از اندک تو جهان شود پر...» از همین برش هادر می‌یابیم که یک کتاب بازیگری مهم از بازگیری تر از اول در دست‌مطالعه گرفته‌ایم تا بر سیمرغ تفکر به همه‌اهالی تئاتر معرفی کنیم. اینجا است که دو بیت شعری که از حافظ آوردم و نام نجیب دکتر شفیعی کدکنی در برابر نجیب‌زاده‌ای چون سوسن تسلیمی، چه حرمت و احترامی دارد. من عادت ندارم در رسانه‌ها مسائل شخصی را که در عرصه عمومی مطرح می‌شود، یک‌بار دیگر رخت و ریختی تازه ببشام و از آن سر زمین‌ها، سوسن در این کتاب نکته‌ای گفته که به من منتقد نیز مربوط می‌شود. یا توضیحی شتابزده، نکته‌ای مکتوم و متنکر را می‌گویم و می‌گذرم: «...حتی یک بار یادم هست منتقدی به نام همایون دولت‌آبادی درباره خلوت فختگان چیزی نوشته بود که برای ما حیرت‌انگیز بود. ایشان درباره اتفاقی نوشته بود که هرگز روی صحنه رخ نداده بود. آری او آناسیان برای پاسخ دادن به این منتقد، ما خواست که این نمایش را که اجرایش تمام شده بود، یک بار دیگر اجرا کنیم. از منتقدان هم دعوت کردیم برای تماشای نمایش، از جلسه همان منتقد که البته نماند. بیه به هر حال



به دلیل وضعیت فرهنگی خانواده از تحصیل محروم می‌شوند. تماشای چنین وضعیت دشواری، بیننده را تحت تاثیر قرار می دهد. «میرپام» ساخته علی صدقی‌نیا، درباره دختری بالاخر است که برخلاف پلاگرهای حوزه زیبایی، به لبنان سفر می کند تا از نزدیک با دوستداران حزب‌الله و سیدحسن نصرالله گفت‌وگو کند. فیلم اثری است که می‌خواهد مفهوم مقاومت و ایستادگی در جهان اسلام را این‌بار از منظر زنان و دختران نسل تازه (حتی بدون حجاب) نمایش دهد. سارا طالبیان، فیلمساز جوانی است که به واسطه استعدادی که دارد به آینده‌و امید وجود دارد. مستند «روای ناتمام» درباره دختران ورزشکار ایرانی است. فیلمی از جنس «جایی برای فرشته‌های نیست» (سام کلاتری) که تلاش و عزم زنان ایرانی برای حضور در فضای رقابت و ورزش را نمایش می دهد. فیلمی امیدبخش، سرشار از سکس‌های شادی و غم، یک فیلم خوب دیگر در کارنامه سارا طالبیان جوان. بسیاری معتقدند جشنواره فیلم فجر، مختص سینمای داستانی است و حضور آثار مستند آن، اهمیت ندارد. این انتقاد وارد است اما سینمای مستند که مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویرتنش «سینماحقیقت» است، با حضور در جشنواره فیلم فجر بیشتر دیده می‌شود. برای دوستداران سینمای مستند، این امتیاز کمی نیست.

نقد‌ها خیلی متفاوت بود». خانم‌ها، آقایان! همایون دولت‌آبادی دیگری در کار نیست. منظور خانم تسلیمی همایون علی‌آبادی است که من بنده باشم و آن امضا به دلیل یک اشتباه رسانه‌ای در سال ۱۳۵۴ به عنوان اولین نقدم در روزنامه اطلاعات از سوی محمد ابراهیمیان به اینتخاب وصل شد. از آن زمان تا سال ۵۷ که اجرای نمایش خلوت فختگان اثر پیتر گیل در تالار چهارسوا اجرا شد، من ده‌ها نقد دیگر نوشتم. اما شگفتا که خانم تسلیمی متوجه این نکته نشده و باز هم یک درد کهنه را دامن زده است. اما خطاب من به سوسن تسلیمی این است: «حش از دهن تو طلیبات است /قند از دهن تو نوشداروست...! در هر حال بگذریم. برای آگاهی هرچه بیشتر مخاطبان عزیز، لازم بود این توضیح را بدهم. کتاب سوسن را بخوانید و از آنکثر استودیو تاپیتر گیل را ببینید و بخوانید و در بزرگ و لذت ببرید. سوسن نازنین ما، بازیگری است بزرگ و سرشناس که حالیا در کشور سوئد، بار دیگر رحل اقامت افکنده و کتابی چاپ کرده که فی‌الواقع چراغ راه همه بازیگران تئاتر است؛ پس خطاب به او می‌نویسم: سوسن بمان، بازی کن، تو یک بازیگر مسلمی و کتابی که به همت محمد عبدی چاپ شده، در طول دوران تئوری‌های بازیگری معتنم و بی نظیر است.

به اعتقاد من، مطالعه این کتاب برای هر بازیگر تئاتری ال‌اهم فی‌الاهم است. پس بخوانید و به احترام سوسن برخیزید و کتابش را رویداد ایرانی تئاتر معاصر ما قلمداد کنید. ■ سوسن تسلیمی در گفت‌وگو با محمد عبدی ■ نشر قفق ■ ۲۶۱ صفحه ■ چاپ چهارم ■ ۴۱۵ هزار تومان ■ کتاب‌گوایی: اندک با بعد نداری

به دلیل وضعیت فرهنگی خانواده از تحصیل محروم می‌شوند. تماشای چنین وضعیت دشواری، بیننده را تحت تاثیر قرار می دهد. «میرپام» ساخته علی صدقی‌نیا، درباره دختری بالاخر است که برخلاف پلاگرهای حوزه زیبایی، به لبنان سفر می کند تا از نزدیک با دوستداران حزب‌الله و سیدحسن نصرالله گفت‌وگو کند. فیلم اثری است که می‌خواهد مفهوم مقاومت و ایستادگی در جهان اسلام را این‌بار از منظر زنان و دختران نسل تازه (حتی بدون حجاب) نمایش دهد. سارا طالبیان، فیلمساز جوانی است که به واسطه استعدادی که دارد به آینده و امید وجود دارد. مستند «روای ناتمام» درباره دختران ورزشکار ایرانی است. فیلمی از جنس «جایی برای فرشته‌های نیست» (سام کلاتری) که تلاش و عزم زنان ایرانی برای حضور در فضای رقابت و ورزش را نمایش می دهد. فیلمی امیدبخش، سرشار از سکس‌های شادی و غم، یک فیلم خوب دیگر در کارنامه سارا طالبیان جوان. بسیاری معتقدند جشنواره فیلم فجر، مختص سینمای داستانی است و حضور آثار مستند آن، اهمیت ندارد. این انتقاد وارد است اما سینمای مستند که مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویرتنش «سینماحقیقت» است، با حضور در جشنواره فیلم فجر بیشتر دیده می‌شود. برای دوستداران سینمای مستند، این امتیاز کمی نیست.

هنر و ادبیات

ادامه از صفحه اول

واما پیام‌ها در دور ششم مذاکره غیرمستقیم ایران و امریکا؟!

ارایه کند و تیم ایران نیز تمامی این خواسته‌ها را رد نموده و همچنان بر حفظ حق خود برای غنی‌سازی اورانیوم اصرار نماید و بحث موشکی را حق دفاعی خود تلقی نماید، لذا این دور از مذاکره بیشتر و عمدتا بر شرایط مذاکره متمرکز بود تا ورود به خود مذاکره و بده بستان، اما با شناسختی که از ترامپ و اهداف امریکا پیدا کرده‌ایم و در این شرایط داخلی و خارجی ایجاد شده برای ایران، باید به دنبال راه‌حلی باشیم که هر دو طرف بتوانند آن را به عنوان «برد» تلقی کرده و معرفی کنند. این موضوع را باز هم باید با رجوع به ویژگی‌های شخصیتی ترامپ بررسی کرد. آقای ترامپ سابقه‌ای دیپلماتیک به معنای کلاسیک ندارد؛ او از حوزه تجارت و املاک آمده و ویژگی‌های خاص خود را دارد. بدون نگاه منفی، باید پذیرفت که این کاراکتر خاص در درون او وجود دارد. نمونه‌اش همان روایت‌سازی مربوط به ماجرای «۸۰۰ نفر» است که او از آن یک موفقیت برای خود ساخت، در حالی که اساسا نه بحث اعدام ۸۰۰ نفر مطرح بود و نه موضوع واقعی آن گونه که روایت شد. اما ترامپ می‌خواست در آن مقطع، از شرایطی که در آن گرفتار شده بود، با یک برگ برنده خارج شود؛ وعده‌ای به مخالفین حکومت ایران داده بود که نمی‌توانست آن را عملی کند و به دنبال راه خروج بود. پس با استفاده از همین دو تجربه محدود و نزدیک در این دور از مذاکرات نیز ما باید آن نقطه‌ای را پیدا کنیم که از نگاه ترامپ، او بتواند از این ماجرا «برنده» بیرون بیاید. در گمانه‌زنی‌ها و اخباری که در آستانه مذاکره در مسقط نیز منتشر شد بحث وساطت ۹ کشور عربی هم مطرح شد. البته نمی‌گوییم چنین وساطتی از سوی اعراب مبنی بر عدم رویارویی با ایران وجود نداشته، اما ترامپ شخصی نیست که برای هر کشوری اهمیت چندانی قائل باشد. اینکه مثلا عربستان، قطر، ترکیه یا هر کشور دیگری در میان آن ۹ کشور با و تماس بگیرند و از او بخواهند پای میز مذاکره با ایران برگردد، الزما باعث نمی‌شود ترامپ وارد مذاکره شود. اگر نتایجش در مذاکره نباشد، وارد آن نخواهد شد و این لشکرکشی هم بیشتر بازی روانی برای امتیازگیری و حداکثر حمله محدود و سریع به سیاست و زیرساخت‌های موشکی ایران است، ولی وی نه می‌خواهد این حمله طولانی شود نه گسترده که با این سیاست ایران برای گسترش منطقه‌ای هر حمله احتمالی به یک موضع بغرنجی رسیده‌ها و لذا او برای خروج به یک برگ برنده نیاز دارد؛ به چیزی که بتواند آن برای خود و جاهت و دستاورد بسازد و یک قطع را پشت سر بگذارد و وارد مرحله جدیدی شود. منظر ایران، ترامپ را می‌شناسد و به اهداف و نیاتش واقف است؛ هدف امریکا در رویارویی با ایران نه صرفا پرورنده هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای بلکه خود ایران است! تا مرز حله به هر حله به حساب همه پرورنده‌ها برسد و یک شیر بی‌پال و دم و اشکم بماند! ایران بعد از قرن‌ها به سطح مستقلى از قدرت و نفوذ و اقتدار توازن بخش رسیده که بازی به‌هم‌زن همه ست؛ او این الزامات خاص خودش را دارد که مردم و حکومت، مخصوصا رابطه بین این دو و مشارکت مردم در تأمین اهداف استراتژیک کشور باید تصمیم‌نهایی را بگیرند! از سویی دیگر بعد امریکا در تقویت این سیاست خاورمیانه‌ای ایران، کاهش انسجام داخلی و برآورد بیش از حد ترامپ از این دو نقطه ضعف بتواند باو به مصالحه پایدارى برسد، مگر آنکه با خلاقیت و نا‌آوری و وارد آوردن شوک به بازار سیاست به ترامپ چیزی داد که احساس برنده شدن داشته باشد. این لزوماً به ضرر ایران نیست! دقت کنیم اینکه ایران نتوانست به‌خوبی از سرمایه‌گذاری خاورمیانه‌ای در ایجاد کارت توازن بخش قدرت منطقه‌ای‌اش برای تشکیل یک بازیگر حائل و بازیگر استفاده شود، بقیعنا این امر با تعددی دارد، اما هسته اصلی آن، غرور و تک‌خوری، عدم حاکمیت تفکر سیاسى برای مصالحه و فقدان استراتژی بارگیری و اجماع‌سازی در سیاست و حکومت ایران امروز در اثر عدم شناخت جهان و ظرفیت‌های خود است! به نظر می‌رسد ما در تقوق و تقدس ساختار بر کارکردگرایى، بیش از مجاهد دستاورد به شکل نگاه‌می‌کنیم؛ در حالی که با وجود برای کسب منافع دراز مدت و در همیز از آسیب بیشتر بر بخش سخت و نرم‌افزاری کشور و مخصوصا آوردن بیشتر مردم در پشت سر سیاست‌های خوارمندان کردن کشور از هر گونه آسیب غیر ضروری نیاز به اصلاحاتی در رویکردهای خود در سیاست خارجی داریم، نقطه شروع این تغییر می‌تواند استفاده از مزایای مذاکره مستقیم و رور در رو باشد تا هم امتیازی به ترامپ داده شود و هم مسائل روان تر و راحت‌تر و زودتر حل و فصل شود و بیش از این اداره کشور و سرنوشت مردم که در بلا تکلیفی به‌سمر می‌برند در گرو شکل مذاکره قرار ندهیم، در سیاست به‌طور اعم و سیاست خارجی به‌طور اخص گرفتن رویه عقلانی و دقیق پیام‌های طرف مقابل ضرورت امنیت ملی است! اعزام جرد کوشنر، داماد ترامپ با ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و نقشی که وی دارد برای ارایه مشورت به تیم امریکایی نبود؛ او به تیم اضافه شد تا یک رابط مستقیم با مذاکره کنندگان ایرانی برای بده‌بستان باشد و چنین عاملی در مذاکره غیرمستقیم کارایی ندارد. پس مذاکره مستقیم می‌تواند آن شوکی به سیاست باشد که با چند دور محدود مذاکره در تهران و واشنگتن هم عوامل و منافع احتمالی واسطه حذف می‌شود و هم از مزایای روابط انسانی استفاده کرد و هم اعتمادسازی سریع‌تری با تغییر موضع و قابل فهم کردن اقدامات، سیاست‌ها و استراتژی‌های ایران برای آنها، زمینه انسجام ملی بیشتری فراهم کرد؛ این شاعالله.

استاندار اسپینین و دیپلمات بازنشسته



کتاب «اسناد اتابک؛ مجموعه اسناد خریداری شده میرزا علی‌اصغر خان امین السلطان در آرشو ملی ایران» به عنوان بخشی از میراث مکتوب و فرهنگی ایران به چاپ رسید.در خبر انتشار این کتاب آمده است: «میرزا علی‌اصغر خان امین السلطان (۱۲۸۶ – ۱۲۳۶ ش.) فرزند دوم میرزا ابراهیم خان امین السلطان است که

قریب به ربع قرن در زمان سه تن از سلاطین دوره قاجار، ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه که عهده‌دار سمت‌های وزیری، وزیر اعظمی و صدراعظمی بوده و در طول این مدت در قرار دادها و طرح‌های مهم ملی و بین‌المللی از قبیل واگذاری امتیاز کشتیرانی رود کارون، امتیاز انحصاری تنباکو و توتون به انگلیسی‌ها، امتیاز شبکه ارتباطی

تلگراف، قرارداد بهره‌برداری و نظارت روسیه بر خطوط تلگراف شمال ایران، امتیاز ساخت راه انزلی -قزوین به روسیه، قرارداد فیروزه و حصار با روسیه، واگذاری امتیاز بانک استقراضی به یکی از اتباع روسیه، انحصار پولیاکف در بیمه و حمل‌ونقل نقش موثری داشت. در سال ۱۴۰۴ مجموعه‌ای از رشمن‌داز اسناد

مربوط به میرزا علی‌اصغر خان امین السلطان، به عنوان بخشی از میراث مکتوب و فرهنگی ایران، از طریق و کیسل برادران اتابکی از بازماندگان خاندان امین السلطان به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران انتقال یافت و پس از ارزیابی و قیمت‌گذاری، در زمره مجموعه‌های ارزشمند سندی این سازمان، تحت حفاظت و نگهداری قرار گرفت.»



کوشش‌های سر هنگ یا المار سون



مر تفضی میر حسینی

پیروزی بر استبداد به مشکلات کشور پایان نداد. محمدعلی شاه را از تخت سلطنت پایین کشیدند و از کشور بیرون انداختند و نظام مشروطه را هم تثبیت کردند، اما این نظام جدید با مجموعه‌ای از مشکلات و بحران‌ها مواجه بود. شمار ی از خان‌های محلی هم، چنانکه باید و شاید از دولت مرکزی اطاعت نمی کردند. او کاتر می نویسد: «هن بطور تصادفی با یکی از... (این خان‌ها) که گفته می‌شد از عاملین غارت عمده مناطق جنوب است مکاتبه کردم و او را به خاطر نداشتن عرق ملی و پشتیبانی نکردن از حکومت و یاری نرساندن به دولت جدید مشروطه سرزنش نمودم. در پاسخ اظهار داشت من می‌دانستم که شاه کیست، اما مشروطه را هرگز ندیده‌ام و قصد هم ندارم به چنین چیز خیالی و موهومی که جسم‌ها هم وجود ندارد، احترام بگذارم و از آن اطاعت کنم.» ر‌وی سسیس می‌افزاید: «چنین تفکری غالباً در سرتاسر کشور وجود داشت.» نظام مشروطه وارث بحران‌های مزمن بود و نمی توانست یک‌شبه، همه آنان را تدبیر کند. نه فقط نمی توانست که شکل‌گیری نظم جدید خود به خود مسائل تازه‌ای –مثل نقش و اختیارات دولت در اداره کشور و چگونگی تصمیم‌گیری برای موضوعات اساسی در مجلس شورای ملی – به دنبال داشت. بسیاری از مشروطه‌خواهان که در دشمنی با محمدعلی‌شاه متحد شده بودند، بعد از آن پیروزی بزرگ از یکدیگر فاصله گرفتند و برای برداشتن سهم هرچه بیشتری از قدرت – در رقابتی بسیار مخرب – به جان هم افتادند. در چنین شرایطی، کار نوسازی کشور یا اصلاً پیش نمی‌فت یا به کندی و با نتایج نصفه‌نیمه انجام می‌شد. اما انصافاً کوشش‌ها، باوجود همه تنگناها و موانع متوقف نمی‌شد. او کاتر می نویسد: «در این برهه رویدادهایی به وقوع پیوست که بر تحولات بعدی ایران تأثیر گذاشت. از مهم‌ترین این رخدادها شاید بتوان به تصمیم دولت ایران مبنی

نوبت اول

آگهی مر حله دوم (تجدید) مناقصه عمومی دو مر حله‌ای

شماره: ۱۴۰۴/۸۴۷/۸/۱۰

مناقصه‌گزار: شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش.

*** نوع مناقصه:** عمومی دو مر حله‌ای.

*** موضوع مناقصه:** ترمیم کانال تأسیساتی اسکله غربی حوضچه قدیمی بندر تجاری کیش.

بر آورد اولیه مناقصه: بر آورد اولیه این مناقصه بر اساس فهارس بهای پایه سال ۱۴۰۴ سازمان بر نامه و بودجه مبلغ ۱۸۵،۵۵۰،۵۰۲،۹۹۸ (یکصد و هشتاد و پنج میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون و پانصد و دو هزار و نهصد و نود و هشت) ریال می باشد.

مبلغ نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۹،۲۷۷،۵۲۵،۱۴۹ (نه میلیارد و دو بیست و هفتاد و هفت میلیون و پانصد و پنجاه و پنج هزار و صد و چهل و نه) ریال می باشد که می بایست به یکی از دوروش ذیل ارائه شود:

– واریز نقدی به شماره حساب مندرج در اسناد و ارائه فیش بانکی مربوطه

– ارائه ضمانتنامه بانکی بدون هر گونه قید و شرط به نام شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش برای مدت ۳ ماه و قابل تمدید برای یک دوره ۳ ماهه دیگر.

تبصره ۱۵: ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه از موسسات مالی و اعتباری توسط پیشنهاددهندگان مجاز نمی باشد.

*** مهلت فروش اسناد مناقصه:** از مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ لغایت مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ ساعت ۲۳

*** محل فروش اسناد مناقصه:** از طریق مراجعه به سامانه برگزاری مناقصات و مزایدات شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش به نشانی اینترنتی tender.kishports.com

*** مبلغ خرید اسناد مناقصه:** مبلغ ۱۵،۰۰۰،۰۰۰ (پانزده میلیون) ریال که می بایست از طریق درگاه پرداخت اینترنتی مندرج در سامانه فوق الذکر واریز و رسید خرید اسناد دریافت گردد.

*** آخرین مهلت زمان تحویل پاکات مناقصه:** از تاریخ اتمام مهلت فروش اسناد لغایت ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

*** محل تحویل پاکات مناقصه:**

– دفتر مرکزی مناقصه‌گزار: جزیره کیش، بلوار ایران، ساختمان اداری واقع در خیابان اسکله شرقی بندر تجاری کیش، دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش – تلفن: ۰۷۶-۴۴۴۲۴۸۵۳

– دفتر تهران: بزرگراه آفریقا، بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)، نبش کوچه کیش، پلاک ۴۵، ساختمان سازمان منطقه آزاد کیش – تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۸۴۷۶۸

*** حدنصاب شرکت کنندگان:** حداقل تعداد شرکت کنندگان جهت بازگشایی پاکات «الف» و «ب» و «ج» یک شرکت کننده می باشد.

*** زمان بازگشایی پیشنهادات (پاکات الف و ب):** پیشنهادات واصله ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ در جلسه کمیسیون معاملات در دفتر مرکزی مناقصه‌گزار بازگشایی خواهد شد.

*** شرایط مناقصه:**

– هزینه‌های درج آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می باشد.

– شرکت کلیه اشخاص حقوقی دارای صلاحیت مجاز می باشد.

– ارائه حداقل ۲ (دو) قرارداد مشابه و ۱ (یک) رضایتنامه از کارهای مشابه (اینیه) با موضوع مناقصه به همراه مدارک و مستندات مثبتانه (شامل رونوشت قرارداد به همراه آخرین صورت وضعیت (قطعی) تأیید شده یا مفاصا حساب تأمین اجتماعی در خصوص کارهای اتمام یافته) در ۵ سال گذشته الزامی می باشد.

– پیشنهاددهندگان می بایست دارای گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری حداقل رتبه ۵ در رشته اینیه از سازمان بر نامه و بودجه کشور باشند و رونوشت آن را در پاکت «ب» قرار دهند.

– پیشنهاددهندگان مطابق اسناد مناقصه، مورد ارزیابی فنی –بازرگانی قرار گرفته و ضریب تأثیر فنی ۴۰٪ و حداقل امتیاز قابل قبول برای پذیرفتن پیشنهاد ۶۵ می باشد.

– به پیشنهاداتی که فاقد سپرده یا امضاء غیر مجاز و سپرده‌های کمتر از میزان تعیین شده، یا ارائه چک‌های بانکی و شخصی و نظایر آن برای تضمین شرکت در مناقصه و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

– اعتبار پیشنهادات واصله سه ماه می باشد و بانظر مناقصه‌گزار برای یک دوره سه ماه قابل تمدید است.

– سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۰۷۶-۴۴۴۲۴۸۵۳ داخلی ۱۸۳-۱۸۱ تماس گرفته شود.

شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه‌های منطقه آزاد کیش

- صاحب امتیاز: موسسه رسانه‌نگاران خوب‌اندیش
- مدیرمسئول: بهروز بهزادی
- مدیرعامل: علی خضرتی
- معاون اجرایی: حجت‌طهماسبی
- مشاور مدیرمسئول: محمد خضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، پست منب۰
- تلفن‌خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
- ایمیل: etemaddaily@hotmail.com
- توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰
- چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲



رجعت به گذشته



در تهران «در زمانه سرد و روزگار در ده فیلم گرمی است. خصوصیات پیمان قاسم‌خانی به عنوان فیلمنامه‌نویس و کارگردان، ایجاب‌کدش و صمیمیت و جذابیت در فیلم است. هر چند جنس بازیش و ساختار فیلمنامه‌های خیلی شبیه به هم هستند، اما این شباهت‌ها چیزی از جذابیت شخصیت‌هایش که بیشتر شارلاتان‌های دوست‌داشتنی می‌کند، فیلم «جانشین» گذشته از شخصیت حسین املاکی برایم جذابیت نداشت و در دیف کارهای سفرایشی قرار می‌گرفت که بیشتر یادآور بازی شطرنج آدم‌باخودش است. شخصیت‌های کلیشه‌ای، موقعیت‌های تکراری و صحنه‌هایی که در فیلم‌های جنگی دیگر بارها تکرار شده است و نگاه تازه‌ای به جنگ ندارد. فیلم «زندگی کوچک کوچک» ساخته‌امیر حسین ثقفی هم اگرچه تکرار دوباره آدم‌های رها شده در برهوت و تنهایی است و فیلمساز به جای مکت روی روند داستان بر موقعیت‌های اغراق‌آمیز تأکید می‌کند. اما نتیجه کارش باز هم مخاطبی مثل من‌دا می‌شود و برای دیگری فیلمی متفاوت، تنهاتفاوت این فیلم با آثار دیگر ثقفی که به‌نظر من بهتر هستند در استفاده‌اواز داستان کوتاه «بازی تمام‌شد» زنده‌یاد غلامحسین ساعدی است. داستانی که در تیزتر فیلم معلوم نیست چرا به آن اشاره‌ای نشده است. داستانی که اگر ثقفی درک درستی از آن پیدامی کرد می‌توانست فیلمش را ماندگارتر کند.



حسن لطفی

نقش فرد در هنر دارد. درست است که سینما صنعت هم هست و بعضی تکنیسین‌های کاربلد می‌توانند فیلم‌های پرمخاطب و قابل توجهی بسازند، اما ماگرمی می‌شود نسخه‌دو فیلمسازانی که در سینماسبک خود را پیدا کرده‌اند، تکثیر کرد. اینها را نوشتم تا خیال کنید با مرگ بهرام بیضایی و ناصر تقوایی، دیگر فیلم خوبی ساخته نمی‌شود، می‌شود! اما فیلمسازان هنرمند دیگری در آینده سینما را پر و پیمان‌تر می‌کنند، سینما تا سالان زنده‌است به حیاتش ادامه‌می‌دهد (البته با پیشرفت تکنولوژی قطعاً تغییراتی هم دارد). اما این نوآمدگان نمی‌توانند نسل گذشته را کنار بگذارند... و به خاطر همین است که وقتی چهلمین روز در گذشت بهرام بیضایی را در ایام فستیوال پشت‌سرمی‌گذاریم، تصور می‌کنم فستیوال امسال فقط شادی را کم ندارد، کسانی که در جشنواره قبل رویاهای زیادی در سر داشتند را کم ندارد، ناصر تقوایی را کم ندارد، بی توجهی به در گذشتگان سینما را هم کم دارد. نمی‌شود گذشته را فراموش کرد. می‌دانم نمی‌توانیم به گذشته برگردیم. توی فیلم شاید بشود. مثل رسول صدرعاملی که در فیلم «قایق‌سواری در تهران» به گذشته عاشقانه دو نفر برمی‌گردد یا مهدی شاه‌محمدی که با فیلم «جانشین» به زمان جنگ و دوران افرادی مثل حسین املاکی برمی‌گردد که انگار نتوانست در زمانه صلح جانیشینی برای خودش داشته باشد. جانیشینی که زندگی دیگران را به زندگی خودش ترجیح دهد... می‌دانم نمی‌توانیم در گذشته بمانیم. اما خوبی‌های رفته‌را باید پاس بداریم. البته این پاس داشتن گذشته و تاریخ... و خودش ادبی دارد. دروغ و تیرنگ کنارش باشد گذشته دروغین ساختن است. خوب را بد و بد را خوب جلوه‌دادن است. هر چند سینما بی‌نیاز از دروغ و خیال نیست، اما شک ندارم این دروغ‌اگر قرار باشد حقیقت را از بین ببرد، پلشتی است. بگذریم و برگردیم به فیلم‌هایی که دیروز دیدیم. «قایق‌سواری

جهان در آستانه چیست؟



مرجان نیشایی

سال میلادی آغاز شده و اکنون پیش‌بینی‌های کارشناسان و صاحب‌نظران از آنچه قرار است اتفاق بیفتد، در رسانه‌ها منعکس می‌شوند. مجمع جهانی اقتصاد با نظر خواهی از بیش از ۱۳۰۰ کارشناس در سراسر جهان، از آنها خواسته خطرات پیش روی جهان در سال آتی میلادی را دسته‌بندی کنند. آنها طیف متنوعی از رشد اقتصادی تا کاهش دموکراسی را خطرات سال آتی میلادی ارزیابی کرده‌اند که ماحصل این نظرسنجی را مرور می‌کنیم. تقابل جغرافیایی - اقتصادی (ژئواکونومیک) بزرگ‌ترین چالش کوتاه‌مدت فراروی جهان از نظر کارشناسان است. آنچه آنها را به این باور رسانده، جنگ تعرفه‌ها بین قدرت‌های بزرگ اقتصادی است که احتمالاً منجر به تقویت نظام حمایت از محصولات داخلی از طریق اعمال مالیات‌های بیشتر بر واردات می‌شود. پیش‌بینی می‌شود اگر اوضاع به همین منوال ادامه یابد، اقتصاد جهانی به دلیل این پدیده ۷ درصد کوچک‌تر خواهد شد. مخاصمات مسلحانه دولت‌ها که در سال ۲۰۲۵ م در بالاترین سطح خود، بعد از جنگ جهانی دوم بوده، در طبقه‌بندی خطرات پیش رو جایگاه دوم دارد. جنگ اوکراین و سودان و وضعیت شکننده در خاورمیانه باعث شده کارشناسان درباره رویارویی‌های مسلحانه دولت‌ها نگران باشند و آن



خبرگزاری ایرنا با انتشار مجموعه عکسی نوشت: «همزمان با اعلام‌نهایی شدن صدور گواهینامه موتورسواری زنان و آغاز قریب‌الوقوع فرآیند اجرایی آن، امید به دریافت گواهینامه در میان زنان علاقه‌مند به موتورسواری افزایش یافته است. در سال‌های گذشته، زنان به گواهینامه موتورسواری با اهام و محدودیت همراه بود، موتور برای بسیاری از آنها نه یک انتخاب تفننی، بلکه راهکاری برای تسهیل تردد روزانه، مدیریت زمان، کاهش هزینه‌ها و عبور از موانع ترافیکی به شمار می‌رود. اکنون با اعلام‌نهایی شدن این تصمیم در سطح دولت و وعده آغاز فرآیند صدور گواهینامه از سوی نیروی انتظامی، این مهارت‌های آموخته شده در حاشیه، در آستانه ورود به چارچوب رسمی قرار گرفته‌اند.»